



ایران تووشه
IranToooshe.ir

بسمه الله الرحمن الرحيم



منطق دهم شامل:

*درسنامه

*سوالات جا خالی

*نمونه سوال تشریحی و تکلیف دانش آموز

*سوالات تست (بر گرفته از کتاب های تست مشاوران- گاج- کانون زرد و آبی- خیلی سبز و مبتکران و آزمون های کانون و گزینه دو)

طاهره بوسعید- ناحیه ۷ - دبیرستان آرمینه مصلی نژاد

«به نام خدا»

درس اول «منطق ترازوی اندیشه»

آشنایی با چند مفهوم در کتاب های فلسفی و منطقی





۱-نطق: تفکر ۲-منطق: قواعد و ضوابط حاکم بر دنیای تفکر

۳- علم منطق: تشریح عملکرد ذهن در فرآیند طبیعی تفکر با کشف و دسته بندی قواعد تفکر
تذکر: تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است تا از این طریق قادر به تشخیص خطاهای فکر باشیم.

پس تفکر کار **طبیعی ذهن** انسان است و ما چه بخواهیم چه نخواهیم ذهن می اندیشد، اما در فرآیند طبیعی اندیشه، گاه خطا رخ می دهد به خطای فکر که ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد، «مغالطه» یا «سفسطه گفته می شود».

علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است «**علم منطق**» نام دارد.

نقش **منطق** در جلوگیری از خطای ذهن:

۱-با بکار گیری علم منطق که به دسته بندی و توضیح قواعد ذهن می پردازد، سریع تر و دقیق تر می توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

۲-منطق علم «**کاربردی**» است بنابر این با ممارست و تمرین در آن می توان به مهارت بیشتر در بکار گیری از قواعد آن برای جلوگیری از خطای فکر رسید.

۳-دانش منطق «**اپزاری**» در خدمت سایر علوم است مانند سیستم کنترل میزان سوخت، سرعت، حرکت و گرمای یک خود رو یا شاقول بنایی در استحکام ساختمان

حیطه کاربرد منطق:

۱- برای فهم **فلسفه** و ارزیابی اندیشه های فلسفی

۲-در **سراسر زندگی** برای درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن

۳-در **سایر علوم و دانش ها** مانند: روانشناسی، فقه، حقوق، علوم اجتماعی و...

دو حیطه اصلی دانش بشری: ۱- تصور ۲- تصدیق

۱- **تصور:** مفهومی که روی هم رفته یک قضیه یا جمله کامل نیستند و در آن ها حکم و قضاوت وجود ندارد، به واقعیت داشتن یا عدم واقعیت آن و ارتباط آن با سایر موجودات کاری نداریم و با «چیست» از آنها سوال می شود. مانند: درخت - دانش آموزان کلاس یازدهم

۲- **تصدیق:** مجموع مفاهیمی که روی هم رفته یک قضیه یا جمله کامل و با معنا را تشکیل می دهند که در آن حکم و قضاوت وجود دارد و قابل تصدیق و تکذیب می باشند و با «چرا» از آنها سوال می شود.

مانند: انسان فانی است مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است





دو حیطه اصلی منطق: ۱- تعریف ۲- استدلال

۱- **تعریف:** به مجموعه تصورات و مفاهیم معلوم که منجر به شناخت تصورات مجهول می‌شود. یا به عبارتی دیگر کاری که برای رسیدن به چپستی یک مفهوم صورت می‌گیرد. در تعریف روش صحیح تعریف کردن بیان می‌شود. مانند: «قطعه زمینی که اطراف آن را آب فرا گرفته است» در تعریف «جزیره»

۲- **استدلال:** تصدیقات معلوم که منجر به شناخت تصدیقات مجهول می‌شود یا به عبارتی دیگر کاری که برای رسیدن به یک حکم و قضاوت جدید صورت می‌گیرد. در استدلال روش صحیح استدلال کردن بیان می‌شود. مانند: «سقراط انسان است پس فانی است» در پاسخ به این سوال که «چرا سقراط فانی است؟»

سوالات جا خالی

- ۱- علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است..... نام دارد.
- ۲- خطای فکر را اصطلاحاً..... یا..... می‌نامند.
- ۳- تأکید منطق بر آموزش شیوه درست..... است.
- ۴- ذهن انسان به صورت..... بر اساس قواعدی می‌اندیشد.
- ۵- منطق علمی..... است که تبحر در آن به..... و..... نیاز دارد.
- ۶- دانش منطق..... در خدمت سایر علوم است.
- ۷- حیطه کاربرد منطق فقط برای فهم فلسفه.....
- ۸- قوانین منطق نخستین بار توسط..... در سده چهارم..... میلاد گردآوری شد که امروزه به منطق..... مشهور است.
- ۹- منطق از ابتدا همواره یکی از ابزارهای ویژه..... بوده است.
- ۱۰- امروزه پس از..... منطق و ریاضیات بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده اند.
- ۱۱- علم یا دانش بشری به دو حیطه کلی..... و..... تقسیم می‌شود.
- ۱۲- دو حیطه اصلی منطق..... و..... است.
- ۱۳- در..... به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط آن با سایر امور کاری نداریم.
- ۱۴- در..... حکم و قضاوت وجود دارد و در آن اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا سلب می‌کنیم.





۱۵- به کمک از تصور های معلوم به شناخت تصور های مجهول و به کمک از تصدیق های معلوم به کشف تصدیق های مجهول دست می یابیم.

سوالات تستی

۱- تفکر انسان وسیله ای است برای رسیدن به شناخت که اگر در حیطه ی باشد و اگر در حیطه ی باشد نامیده می شود. (سراسری ۸۹)

۱- تصدیقات- تعریف- تصورات- استدلال ۲- کلیات- تعریف- جزئیات- استدلال

۳- تصورات- تعریف- تصدیقات- استدلال ۴- جزئیات- تعریف- کلیات- استدلال

۲- سخن از واقعیت یا عدم واقعیت یک مفهوم با استفاده از است و چیزی است که مفهوم را روشن می کند. (سراسری ۹۱)

۱- تصدیق- استدلال- هستی ۲- تصور- تصدیق- هستی

۳- تصور- تعریف- چیستی ۴- تصدیق- تعریف- چیستی

۳- وقتی با واقعیت مفهوم سر و کار پیدا می کنیم پای یک به میان می آید که (سراسری ۹۳)

۱- تصدیق- در آن نوعی قضاوت وجود دارد

۲- جمله- از سه تصور تشکیل شده است

۳- تصدیق- به معنای «جمله» در دستور زبان است

۴- تصور- در باره هستی آن سوال شده است

۴- کدام گزینه به ترتیب در بر گیرنده تصور و تصدیق است؟

۱- خانه ی اجاره ای- دانش آموزان کلاس دهم

۲- کتاب منطق سال دهم- کاشکی قیمت انفاس بدانندی خلق

۳- نسیم سحر- مادر حسن که بیمار بود

۴- سقراط و افلاطون و ارسطو- آن ها فیلسوفان برجسته یونانی بودند

۵- کدامیک از گزینه های زیر تصور است؟

۱- سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی

۲- چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

۳- آن یار کزو گشت سر دار بلند





۴- تا کی به تمنای وصال تو یگانه

۶- اگر عبارت «عدد سه یک عدد فرد و متعلق به مجموعه اعداد طبیعی است» را داشته باشیم، کدام مورد در باره آن درست است؟ (کنکور سراسری ۹۶)

۱- یک تصدیق با موضوع جزئی و دو محمول است که یکی از آن‌ها جزئی و محمول دیگر کلی است

۲- یک تصدیق با یک موضوع کلی و دو محمول است که یکی از آن‌ها جزئی و دیگری کلی است

۳- شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است که یکی از محمول‌ها کلی و دیگری جزئی است

۴- شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است و همه اجزای دو تصدیق کلی هستند

پاسخنامه سوالات چا خالی

۱- منطق ۲- مغالطه ۳- سفسطه ۴- اندیشیدن ۵- کاربردی-تمرین ۶- ممارست ۷- ایزاری ۸- نیست
ارسطو-پیش ۹- ارسطویی ۱۰- فلسفه ۱۱- فرگه ۱۲- تصور ۱۳- تعریف ۱۴- استدلال
تصدیق ۱۵- تعریف ۱۶- استدلال

سوالات تستی

۱- گزینه سه ۲- گزینه سه ۳- گزینه یک ۴- گزینه چهار ۵- گزینه سه ۶- گزینه ۴

درس دوم «روابط میان ذهن، زبان و خارج»

به هر لفظ و به طور کلی به هر علامتی دو چیز دیگر مربوط است که یا مفهوم یا معنای آن لفظ است که امری است ذهنی و عقلی و دیگر مصداق یا مدلول عینی آن است که امری است عینی و خارجی این سه چیز به ترتیب: ۱- وجود لفظی ۲- وجود ذهنی ۳- وجود خارجی خوانده می‌شوند.

مثلاً در مورد سقراط: وجود لفظی—لفظ سقراط وجود ذهنی—مفهوم جزئی سقراط

وجود خارجی—یعنی فردی که استاد افلاطون است و در سده چهارم پیش از میلاد می‌زیسته است.

نکته: هنگامی که ما لفظ یا عبارتی را به کار می‌بریم معمولاً منظور در باره مصادیق و وجود خارجی است اما در باره مفهوم یا خود لفظ نیز می‌توان سخن گفت^۱

میان سه حیطه‌ی ذهن، زبان و خارج ارتباط وجود دارد و خطا در یکی باعث خطا در سایر موارد می‌شود. وظیفه منطق جلوگیری از خطای ذهن است و چون ذهن با دو حیطه زبان و الفاظ و جهان خارج ارتباط دارد، بنابر این باید رابطه بین لفظ و معنا و رابطه مفهوم و مصداق شناخته شود

^۱ دکتر محمد علی اژهای—مبانی منطق—ص ۳۱-۳۲





لفظ و معنا

اشتراک لفظ

در هر زبان گاه چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان می‌شود مانند لفظ «شیر» به این کلمات مشترک لفظی می‌گویند.

مغالطه اشتراک لفظ

عبارت است از بکار بردن یک کلمه در یک متن با معانی گوناگون بدون توجه به تعدد معنای آن به نحوی که این موضوع باعث نتیجه گیری نادرست شود.

مانند:

۱- سعادت غایت زندگی است ۲- غایت زندگی انسان مرگ است

بنابراین: سعادت همان مرگ اوست غایت در مقدمه اول به معنی هدف و در مقدمه دوم به معنی انتهایست و زندگی در مقدمه اول زندگی این جهانی و در مقدمه دوم اعم از آن است.

اشتراک لفظ به چند صورت رخ می‌دهد:

۱- اشتراک اسم- حمید دوست بیست ساله من است دو معنا می‌توان برداشت کرد ۱- حمید دوست من است و بیست سال سن دارد ۲- حمید دوست من است و سابقه دوستی ما بیست سال است

۲- اشتراک فعل- او چند غزل سعدی را بی اشکال خواند ۱- او چند غزل سعدی را بی اشکال قرائت کرد ۲- او اعلام کرد چند غزل سعدی بی اشکال است.

۳- اشتراک حرف- او عمری پا ریا و زیاده خواهی مبارزه کرد. ۱- او عمری به قصد نابودی ریا و خود خواهی با آن مبارزه کرد ۲- جنگ و مبارزاتی که او در طول عمر خود انجام داده است به قصد ریا بوده است.

تکلیف

موارد مغالطه اشتراک لفظ را مشخص کنید.

۱- او و همسرش ۵ سال اختلاف دارند

۲- آن‌ها چند عکس از ما گرفتند

۳- دهمین و آخرین فصل کتاب در باره عبادت است

۴- قابلمه به سرم خورد شکست

۵- حسنی دیکته نوشت همه رو غلط نوشت

۶- کف دریا برای بعضی آبزیان مناسب نیست





۷- حرف های او قیمت ندارد

۸- هندوانه من مثل قند است

۹- احمد و علی دو سال با هم اختلاف دارند

اشتراک لفظ در جوک 😊

۱- دیشب پدرم در آتش سوخت به دلیل پدر سوختگی مغازه تعطیل است

۲- خرسی برادرم را گاز گرفت الان برادرم دچار مشکل گاز گرفتگی است

مغالطه بار ارزشی کلمات

ناشی از این حقیقت است که می توان **قضاوت دیگران** را در باره یک موضوع، به وسیله بیان آن موضوع با **تعبیر های مختلف** عوض کرد هنگامی که در بیان یک موضوع از کلماتی استفاده کنیم که دارای بار ارزشی **مثبت** یا **منفی** باشد و بدین وسیله بخواهیم آن موضوع را پسندیده تر یا ناپسند تر از حالت عادی آن نشان دهیم بدون آن که بار ارزشی کلمات آن جمله را بیان کنیم، مرتکب چنین مغالطه ای شده ایم.

مانند: ۱- کلمات او چرند و مهمل و مزخرف است، به جای در کلمات او اشتباهاتی دیده می شود

۲- من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم و شما نسبت به پیش فرض های خود لجابت و تعصب می ورزید و اودر موضع گیری های خود یک دنده و کله شق است، به جای ما، من، تو و او بر باورهای خود مانده ایم.

۳- حرف چه کسی را باور کنیم فرمایشات متین ایشان را که آرامش بخش و روح افزاست یا اراجیف کسی را موجب تیرگی و آشفتگی روح است.

اقسام دلالت لفظ بر معنا :

۱- مطابقه ۲- تضمن ۳- التزام

۱- مطابقه: دلالت لفظ بر تمام معنایی که برای آن وضع شده است مانند: **خانه** خریدم

۲- تضمن: دلالت لفظ بر جزء معنایی که برای آن وضع شده است مانند: **خانه** خراب شد

۳- التزام: دلالت لفظ بر امری خارج از معنای اصلی مانند: **خانه** را دزد برد

مغالطه توسل به معنای ظاهری

به کار بردن معانی مطابقی، تضمنی و التزامی کلمات به جای یکدیگر به خطایی منتهی می شود که آن را «مغالطه توسل به معنای ظاهری» می گویند. معمولاً کسانی که مرتکب این مغالطه می شوند در آغاز سخن از عبارت خاصی استفاده می کنند مثلاً می گویند: تمام آنچه گفته بودم این بود که... یا می-





گویند: اگر دقیقاً به کلمات من توجه کنید...در اکثر موارد می‌توان فهمید کسانی که از چنین عباراتی استفاده می‌کنند مرتکب مغالطه توسل به معنای ظاهری شده اند.

چند مثال برای مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات

- ۱- مادر به فرزندش که روز بعد آزمون داشت گفت: به کتابت هم یک نگاه کن. فرزند کتاب را برداشت به جلد کتاب نگاهی انداخت و گفت: نگاه کردم
- ۲- من که گفتم بعد از ظهر می‌آیم خب ساعت ۹ شب هم بعد از «ظهر» است.
- ۳- اگر مغازه دار جوری صحبت کرد که بر خلاف میل خود ناچار به خرید بودی، بگو کیف پولم همراه نیست او فکر می‌کند پول نداری و دست از سرت بر می‌دارد.
- ۴- چرا تمرین ها را حل نمی‌کنی و نشسته ای کتاب داستان می‌خوانی؟ چون دبیرمان گفت بروید مطالعه کنید. نگفت بروید تمرین حل کنید.
- ۵- علی از دوستش پرسید ساعت چند است؟ او پاسخ داد فروشی نیست
- ۶- کسی که دچار ورشکستگی شده بود گفت: خانه خراب شدم و فرزندش گفت: خانه که سالم است

مغالطه نگارشی کلمات

معانی را می‌توان به دو صورت کتبی و شفاهی به دیگران منتقل کرد بنابراین اشتباه در کتابت و نگارش می‌تواند باعث پدید آمدن خطای ذهن شود. عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات و همچنین دیکته کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطه نگارشی کلمات» می‌شود. مانند:

۱- بخشش لازم نیست، اعدامش کنید بخشش، لازم نیست اعدامش کنید

۲- فردا سفر تمام می‌شود فردا صفر تمام می‌شود

تفاوت اعراب مانند: مُشک - مَشک - کُوم - کِرم - گُل گَل

تفاوت در دیکته مانند: زن ظن- ثنا سنا- صفیر سفیر- خان خوان

مغالطه ابهام در عبارات یا «ممارات»

این قسم از مغالطه ناشی از نحوه ترکیب الفاظ است. نحوه ترکیب الفاظ گاهی چنان است که عبارتی را می‌توان به دو نحو قرائت یا به دو نحو مختلف تفسیر کرد. مانند: «من نکردم خلق تا سودی کنم» که





می‌توان به دو صورت تفسیر کرد . من خلق نکردم تا از خلق نکردن سود ببرم یا من به منظور سود بردن خلق نکرده ام^۲

ابهام در عبارت گاهی ناشی از مشخص نبودن **مرجع ضمیر** است. مانند: رستم بر اسب نشست دستی بر سرش کشید و حرکت کرد.

مثال برای مغالطه ابهام در عبارات

۱- کودک تا پدرش را دید لباسش را مرتب کرد

۲- شیشه عینک شکسته را برداشت ← عینک شکسته یا شیشه عینک

۳- او برای بازدید ۵ روزه از اصفهان به تهران آمد ← معلوم نیست مقصد بازدید اصفهان است یا تهران

۴- میل دارید با ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم ← میل به غذا ندارم یا میل به غذا خوردن با شما ندارم

۵- این هندوانه مثل قند است ← مثل قند شیرین یا سفید

تکلیف

در موارد زیر خطای فکر در چه مواردی به وقوع پیوسته است؟

۱- سعادت غایت زندگی است غایت زندگی انسان مرگ است

بنابر این: سعادت انسان همان مرگ اوست

۲- انگور شیرین است شیرین معشوق فرهاد است

بنابر این: انگور معشوق فرهاد است

۳- او سیر است سیر بو می‌دهد بنابر این: او بو می‌دهد

۴- خانه ارزان کم یاب است هر چیز کم یاب گران است

بنابر این: خانه ارزان گران است

۵- چون از او گشتی همه چیز از تو گشت

۶- کار نیکان را قیاس از خود مگیر گر چه باشد در نوشتن شیر شیر

آن یکی شیر است اندر بادیه آن دگر شیر است اندر بادیه

آن یکی شیر است کادم می‌خورد و آن دگر شیر است کادم می‌خورد

۷- بهمن عظیمی در جاده چالوس دهها نفر را کشت

^۲ دکتر محمد علی اژه ای - مبانی منطق-ص ۱۸۲





۸- «نویسم من که مادر، زن عزیز است تو می‌خوانی که مادر زن، عزیز است»

سوالات جا خالی

- ۱- برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از..... استفاده می‌کنیم.
- ۲- علم منطق وابسته به زبان خاصی.....
- ۳- بیان چند معنای متعدد در یک لفظ واحد مشترک..... نامیده می‌شود.
- ۴- اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهر مشترک دارند، باعث بروز مغالطه..... می‌شود.
- ۵- کلمات و الفاظی که در زندگی به کار می‌بریم دارای بارهای ارزشی..... هستند.
- ۶- کلمات ممکن است دارای بار ارزشی..... یا..... یا..... باشند.
- ۷- به کار بردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزشی متفاوتی هستند، می‌تواند منشأ خطای اندیشه باشد که آن را مغالطه..... می‌نامند.
- ۸- دلالت لفظ بر معنا بر سه قسم..... و تضمین و..... است.
- ۹- دلالت لفظ بر معنا که مطابق با معنای اصلی است دلالت..... نامیده می‌شود.
- ۱۰- هر گاه دلالت لفظ بر معنا در بر دارنده بخشی از معنای اصلی باشد دلالت..... است.
- ۱۱- هر گاه لفظ بر معنا بر امری خارج از شیء دلالت کند و لازمه یک شی باشد، دلالت..... است.
- ۱۲- به کار بردن معانی مطابقی و تضمینی و التزامی به جای یکدیگر به خطایی منتهی می‌شود که آن را مغالطه..... می‌نامند.
- ۱۳- معانی را می‌توان به دو صورت..... و..... به دیگران منتقل کرد.
- ۱۴- عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن مغالطه..... می‌شود.
- ۱۵- هر گاه جمله ای را به کار ببریم که افاده بیش از یک مفهوم کند و آن جمله برای مخاطب طبق یک تفسیر صحیح و طبق تفسیر دیگر ناصحیح باشد، دچار مغالطه ابهام در..... شده ایم.
- ۱۶- استفاده از عبارات دو پهلو یا ابهام در مشخص نبودن مرجع ضمیر، می‌تواند باعث به وجود آمدن مغالطه ابهام در..... شود.

پاسخنامه





۱- الفاظ ۲- نیست ۳- مشترک لفظی ۴- اشتراک لفظ ۵- متفاوت ۶- مثبت- منفی- خنثی ۷- بار ارزشی
کلمات ۸- مطابقه- التزام ۹- مطابقه ۱۰- تضمن ۱۱- التزام ۱۲- توسل به معنای ظاهری ۱۳- کتبی-
شفاهی ۱۴- نگارشی کلمات ۱۵- عبارات ۱۶- عبارات یا ممارات

درس سوم «مفهوم و مصداق»

مفاهیم جزئی و کلی

در یک تقسیم بندی مفاهیم به جزئی و کلی تقسیم میشود.

جزئی: مفهومی است که مصداق آن کاملاً مشخص است و قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد. مانند: خلیج فارس ابن سینا

راه های تشخیص مفاهیم جزئی: ۱- هر گاه مفهومی با یکی از اسم های اشاره بیاید. مانند: این کتاب

۲- اسماء خاص: مانند حسن - زهرا - قله دماوند

۳- مفاهیمی که داخل «گیومه» هستند مانند لفظ «پسر»

کلی: مفهومی است که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد خواه آن مورد واقعی خارجی باشد مانند: میز یا از موارد فرضی مانند: دیو

توجه: کلی ها را بشناسید. مفاهیم کلی ممکن است:

۱- فردی در عالم خارج نداشته باشد و به وجود آمدن آن هم محال باشد. مانند: شریک الباری-

اجتماع نقیضین

۲- در خارج فردی ندارد ولی به وجود آمدن آن فرد ممکن است. مانند: دریای سیماب

۳- در خارج یک فرد دارد و به وجود آمدن فرد دیگر برای آن محال است. مانند: واجب الوجود

۴- در خارج یک فرد دارد و به وجود آمدن فرد دیگر ممکن است. مانند: خورشید

۵- در خارج دارای افراد متعدد است مانند: انسان^۳

نسب اربع یا نسبت های چهارگانه منطقی

دو مفهوم کلی از آن جهت که چه مقدار از افراد یکدیگر را در بر بگیرند، چهار حالت دارند

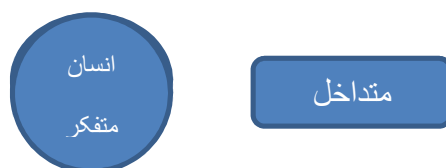
۱- تساوی ۲- تباین ۳- عام و خاص مطلق ۴- عام و خاص من وجه

^۳ دکتر محمد خوانساری- منطق صوری صفحه ۵۴





۱- **تساوی:** ممکن است دایره ی افراد و مصادیق دو کلی کاملاً بر یک دیگر منطبق باشند که در این صورت دو کلی نسبت «تساوی» دارند و از نسبت بین آن ها دو قضیه حاصل می شود که با سور «همه، هر یا کل» می آید مانند: انسان و متفکر



۱- هر انسانی متفکر است

۲- هر متفکری انسان است

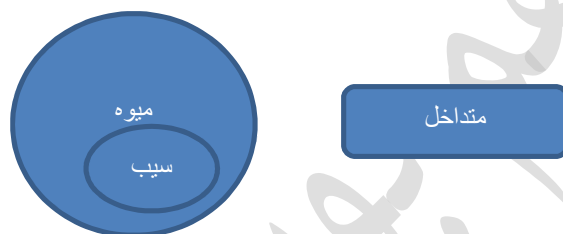
۲- **تباین:** ممکن است دو کلی اصلاً مصداق مشترکی نداشته باشند و مابین با یکدیگر باشند که در این صورت دو کلی نسبت «تباین» دارند و از نسبت بین آن ها دو قضیه حاصل می شود که با سور «هیچ یا لا» می آید مانند: سنگ و شیشه



۱- هیچ سنگی شیشه نیست

۲- هیچ شیشه ای سنگ نیست

۳- **عام و خاص مطلق:** گاه ممکن است یک کلی بزرگ تر از دیگری باشد و تمامی مصادیق دیگری را شامل شود. در این حالت مصادیق یک کلی عام تر و مصادیق کلی دیگر خاص تر است که «عموم و خصوص مطلق» نامیده می شوند. از نسبت بین این دو کلی سه قضیه حاصل می شود که مفهوم خاص با هر و مفهوم عام با بعضی می آید مانند: سیب و میوه



۱- هر سیبی میوه است

۲- بعضی میوه ها سیب هستند

۳- بعضی میوه ها سیب نیستند

۴- **عام و خاص من وجه:** هر گاه دو کلی از جهتی عام تر و از جهتی خاص تر از دیگری باشد. در این حالت دو مفهوم دارای مصادیق مشترک، اما هر یک از آنها مصادیقی دارد که در دیگری وجود ندارند مانند مصادیق سفید و سنگ این حالت را «عموم و خصوص من وجه» می نامند که از نسبت بین دو کلی چهار قضیه حاصل می شود که با بعضی می آیند.



۱- بعضی سفید ها سنگ هستند

۲- بعضی سفید ها سنگ نیستند

۳- بعضی سنگ ها سفید هستند

۴- بعضی سنگ ها سفید نیستند

نکته: هنگامی که مفاهیمی را طبقه بندی می کنیم، وجوه اشتراک آنها را با مفاهیم مشابه و جود افتراق آن ها را به مفاهیم غیر مشابه مشخص می کنیم. در این گونه دسته بندی ها از مفاهیم عام آغاز می کنیم





و به مفاهیم خاص می‌رسیم. در یک دسته بندی درست لازم است هر طبقه از مفاهیم نسبت به مفاهیم طبقه دیگر رابطه **عام و خاص مطلق** داشته باشد.

موجودات ← موجودات مادی ← جانداران ← جانوران ← مهره داران ← پرندگان

و اقسام یک مفهوم باید نسبت به یکدیگر رابطه **تباین** داشته باشند. مانند: موجودات مادی و غیر مادی

مفاهیم کلی ذاتی و عرضی

ذاتی: ویژگی های اصلی اشیاء که بیانگر هویت اصلی آن ها هستند «ذاتی» می‌نامند. مانند جسم برای سنگ

عرضی: ویژگی های غیر اصلی که سازنده هویت یک شیء نیستند «عَرَضی» نامیده می‌شوند مانند: سفید برای سنگ

توجه: در مقام تصور یک شیء ذاتی همیشه مقدم بر مفاهیم عرضی است.

مفاهیم ذاتی و عرضی به پنج دسته تقسیم می‌شوند که به آن ها «کلیات پنجگانه» می‌گویند.

کلیات پنجگانه

۱- **جنس:** به ویژگی ذاتی ای که مشترک میان چند شیء مختلف است «جنس» می‌گویند مانند **فلز** برای آهن-مس-قلع-روی...

۲- **فصل:** به ویژگی ذاتی که گونه های مختلف یک جنس را از یکدیگر متمایز می‌کند «فصل» می‌گویند. مانند ناطق که فصل انسان از سایر حیوانات است

۳- **نوع:** به ویژگی ذاتی ای که گونه های مختلف یک جنس است «نوع» می‌گویند. مانند انسان - اسب- زرافه برای حیوان

۴- **عرض خاص:** به ویژگی های عرضی که مخصوص یک نوع خاص است «عرض خاص» می‌گویند. مانند کاتب برای انسان و سه زاویه برای مثلث

۵- **عرض عام:** به ویژگی عرضی ای که مشترک میان چند نوع است «عرض عام» می‌گویند. مانند گرما برای آب و غذا

تکلیف

۱- مفاهیم کلی و جزئی را مشخص کنید.

همه دانش آموزان این کلاس-استان های ایران-خورشید منظومه شمسی- جزئی- الله-این کتاب- احمد- واجب الوجود- دیو-تهران- مکه- خانه- مثلث- عبرت- سینما- قله دماوند-اژدهای هفت سر- این مردم نازنین- رئیس جمهور ایران -تضاد- ارسطو-ستاره-کتاب درسی-حافظ شیرازی-



شهر دانش- امام- پیامبر- دریای جیوه- این کوه طلاکوه یخی- ملا صدرا-مدرسه عالی شهید
مطهری- مسجد شیخ لطف الله-دریای خزر- دریای خزر ایران- تشنه-دریای احمر- کیمیا-
رشته کوه هیمالیا-سرزمین سیبری- حسین رضا زاده-دانشگاه تهران-کره زمین-آذر در آذر به
دنیا آمد.

۲- ذاتی و عرضی را مشخص کنید.

مایع- سردی برای هوا- مقدار- شکل- شور بودن برای نمک -سیاه - سفیدی برای دیوار- فلز-
خشن- حساس- جسم- نامی- بیشمار- بلند قامت- کم منفصل- کیف چشیدنی- ممتد در جهات
سه گانه- تیره -جوهر- میوه - بیماری- حیوان- رنگ برای جسم- رنگ برای سیاه-ضلع-
زاویه- ۱۸۰ درجه- قائمه- بی رنگ،بی بو، بی مزه برای آب-گل آلود-عدد- میوه- ترش-
شیرین- خط-سردی برای یخ

۳- بین مفاهیم کلی زیر کدامیک از نسب اربع برقرار است؟

عدد اول و عدد طبیعی- جنس و کلی- سنگین و جسم- دایره و منحنی الدور-ماهی و بچه زا-انسان و
جسم نامی - تفکر و تعریف- تعریف و استدلال- رباعی و غزل- نماز واجب و نماز
مستحب- واجب عینی و واجب کفایی- آب و یخ- تفکر و اندیشه- شتر و پستاندار-شتر و دو
کوهانه- فعل و مبنی- فاعل و مرفوع- مفعول و مرفوع- محسوس و معقول- عالم و متقی-
حیوان و حساس- انسان و ناطق- مثلث و سه ضلعی- مثلث و شکل- تصور و تصدیق- تصور
و علم- جزئی و کلی- جزئی و مفاهیم- ذاتی و عرضی-مثنوی و شعر- پرده و چوب- دروس
اختصاصی رشته انسانی و درس منطق- عموم و خصوص من وجه و نسب اربع- عموم و
خصوص من وجه و تساوی- دانش آموز و کارگر- خدا پرست و مسلمان- موحد و مشرک-
مقتول و شهید - شهید و مقتول فی سبیل الله- حادث و قدیم-مدرسه وکلاس-نماز و واجب-
جوهر و جماد-مثلث و متساوی الاضلاع-روح و مادی-شراب و سرکه-دایره و منحنی الدور-
میوه و خوردنی-خطا و صواب-اسید و باز-متحرک بالاراده و انسان- متحرک بالاراده و
حیوان-قضیه و جمله خبری

۴-نسبت دایره ها در تساوی..... در عام و خاص مطلق.....در عام و خاص من وجه.....و در تباین.....است.

۵- برای انسان، مثلث، آب، گیاه، آهن، دو مفهوم ذاتی و دو مفهوم عرضی بنویسد.

۶-در جمله‌ی «پدر بزرگ علی در باغ روستای محمود آباد یک درخت گیلان کاشت» نسبت عموم
و خصوص مطلق و در جمله‌ی «علی در مشهد دو رکعت نماز مستحبی خواند»، نسبت
عموم و خصوص من وجه پیدا کنید.

۷-کلیات خمس را مشخص کنید.(جنس، نوع، فصل، عرض خاص، عرض عام)





سرو برای درخت- سفیدی برای کاغذ-راه رفتن برای انسان-سه زاویه برای مثلث-دایره-رنگ برای جسم- رنگ برای چشم-رنگ برای قرمز- شگفت زدگی، آرزو، خندان، گریان برای انسان- عمود بودن اضلاع بر هم-بیماری برای انسان- بیماری برای حیوان- جسم بودن برای حیوان- متفکر برای انسان- بسیار بودن برای عدد- سرد بودن بای هوا- سرد بودن برای یخ- گرما برای غذا- شکل برای مثلث- میوه دار برای درخت، برای بوته و برای گیاه- ردیلت برای ظلم- راستگویی برای فضیلت- مرض برای سل- ۱۰ برای عدد-شادی برای کیف نفسانی- کیف نفسانی برای غم-بوی گلاب برای کیف- کم متصل- آهن- خط منحنی- حساس- چهار ضلعی برای مربع- شایک برای کتاب- ۱۸۰ درجه برای مثلث- مجموع زوایا مساوی دو قائمه برای مثلث- شیهه کشندگی برای اسب-زاویه حاده- انسان- جوهر- سیب- درخت خرما برای درخت- حساس برای حیوان- گرما برای آتش-گیاه برای جسم نامی-جسم برای گیاه- جوهر برای جسم(برخی مفاهیم برای ماهیتی ذاتی و برای ماهیتی دیگر عرضی است بنابراین نسبی هستند)

۸-از میان مفاهیم زیر کدامیک برای انسان جنس است؟

حیوان- متفکر- ضاحک- جسم- شاعر

۹-در عبارت «آدم چیزی است که غذا می‌خورد و فکر می‌کند»، مفاهیم آدم، چیز، غذا خورنده و متفکر به ترتیب،،، است.

سوالات جا خالی

۱-مفهوم آن است که فقط بر یک مصداق و یک فرد(عَلَم یا خاص) دلالت کند و فرض افراد متعدد برای آنباشد.

۲-اگر مفهومی یک فرد در عالم خارج داشته باشد، اما فرض افراد متعدد برای آن محال نباشد..... است. مانند:مولود کعبه

۳-مفاهیمی که با اسم اشاره می‌آیند هستند. مانند: این کتاب آن مدرسه

۴-مفهوم..... آن است که مصداق‌های متعدد داشته باشد یا فرض افراد متعدد برای آن..... نباشد.

۵-مفهوم می‌تواند هیچ مصداقی در عالم خارج نداشته باشد.

۶- مفاهیم خیالی..... هستند.مانند:دیو، سیمرغ، مرغ آتش‌خوار، ققنوس و...

۷-در منطق بحث در مفاهیم.....متمركز است زیرا در تعریف‌های خود همواره از مفاهیم.....استفاده می‌کند.

۸- بین دو کلی از نظر صدق بر افراد، همواره.....نسبت برقرار می‌شود که به آن‌ها نسبت- های چهارگانه یا نسب.....گفته می‌شود.





- ۹- زمانی بین دو کلی نسبت.....برقرار می‌شود که، همه‌ی افرادی که مصداق یک مفهوم هستند، مصداق مفهوم دیگر نیز باشند و بر عکس. مانند.....*
- ۱۰- از نسبت تساوی بین دو کلی همواره.....قضیه بدست می‌آید که با هر یا همه شروع می‌شود.
- ۱۱- هر گاه دایره مصادیق دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که یک یک کلی عام‌تر از کلی دیگر باشد و همه افراد مفهوم دوم مصداق مفهوم اول باشد، اما فقط بعضی از مصداق‌های مفهوم اول مصداق مفهوم دوم باشد.....است.
- ۱۲- از نسبت «عام و خاص مطلق» بین دو قضیه همواره.....قضیه بدست می‌آید که مفهوم خاص‌تر با هر و مفهوم عام‌تر با بعضی می‌آید.
- ۱۳- هر گاه دو مفهوم کلی به‌گونه‌ای باشد که برخی از افراد یکدیگر را در بر بگیرد و برخی را دربر نگیرد.....است.
- ۱۴- چون در «عام و خاص منوجه» دو کلی بعضی از افراد یکدیگر را دربر می‌گیرد نه همه‌ی افراد را بنابراین.....قضیه بدست می‌آید.
- ۱۵- هر گاه دو مفهوم کلی به‌گونه‌ای باشد که هیچ مصداق و فرد مشترکی نداشته باشد، نسبت بین آنها.....است.
- ۱۶- از نسبت «تباین» بین دو کلی همواره.....قضیه بدست می‌آید که با هیچ شروع می‌شوند.
- ۱۷- از میان مفاهیم کلی «علم و تصور»، «استدلال و تعریف»، «نسبت‌های چهارگانه و عموم و خصوص منوجه»، «مثلث و شکل سه ضلعی».....تباین است.
- ۱۸- مفاهیم به اعتبار اینکه سازنده یک مفهوم و ذات باشند یا نه به «.....» و «.....» تقسیم می‌شوند.
- ۱۹- «.....» مفاهیمی هستند که اجزاء درونی، سازنده، هویت‌بخش و حقیقت بخش و به وجود آورنده یک مفهوم دیگر هستند و آن مفهوم بدون آنها وجود ندارد.
- ۲۰- «.....» مفاهیمی هستند که صفت یک مفهوم دیگر قرار می‌گیرند اما جزء ذات و حقیقت آن نیستند و درونی آن محسوب نمی‌شوند بلکه بر آن عارض می‌شوند و ذات بدون آن هم می‌تواند وجود داشته باشد.
- ۲۱- اگر.....نباشد، ذات هم وجود نخواهد داشت. مانند: حیوان و ناطق برای انسان، مایع برای آب، شکل و سه ضلعی برای مثلث.
- ۲۲- بدون مفاهیم.....ذات یا مفهوم وجود خواهد داشت. مانند: مهندس یا ضاحک برای انسان، گل‌آلود و سرد برای آب سه زاویه برای مثلث.





۲۳- در هر تعریف وجود حداقل.....مفهوم.....ضروری است و بدون آن نمی‌توان تعریف دقیقی داشت.

۲۴- مفهوم..... را نمی‌توان از ذات «جدا» کرد و انتظار داشت که باز هم آن ذات وجود داشته باشد. اما مفهوم..... را می‌توان از ذات جدا کرد.

۲۵- مفهوم ذاتی برای ذات «.....» نمی‌خواهد زیرا با پیدایش و به وجود آمدن آن همراه است. مانند خلقت انسان همان و ناطق بودن همان. اما مفهوم..... علت می‌خواهد. مثلاً: مهندس بودن انسان علتی غیر از خلقت دارد.

۲۶- مهم‌ترین وصف مفهوم ذاتی آن است که،..... همیشه مقدم بر ذات تصور می‌شود یعنی تا زمانی که ذاتی را تصور نکنیم خود ذات هم تصور نمی‌شود. اما مفاهیم..... پس از آن که ذات تصور شد می‌آیند. یعنی ذاتی مقدم بر ذات و ذات مقدم بر عرضی تصور می‌شود. ۱- ذاتی ۲- ذات ۳- عرضی مثلاً برای انسان

۲۷- برخی مفاهیم ذاتی به پیش از یک ذات اختصاص دارند و مشترک میان چند ذات هستند به این مفاهیم «.....» می‌گویند.

۲۸- جنس دارای..... است و می‌تواند به اقسامی تقسیم شود. مانند فلز که جنس است و دارای انواعی مانند: مس آهن، قلع، جیوه و... و شکل جنس است برای، مثلث، مربع، دایره و...

۲۹- جنس مفهوم ذهنی است و در..... وجود ندارد. یعنی در عالم خارج چیزی که فقط حیوان یا شکل یا میوه باشد وجود ندارد بلکه در عالم خارج مثلاً گربه یا دایره یا سیب است.

۳۰- مفهوم ذاتی مشترک «.....» نام دارد.

۳۱- جنس هم درونی و ذاتی و هم است.

۳۲- به مفهوم ذاتی که اختصاص به یک ذات دارد و یک ذات را از ذات‌های دیگر جدا و متمایز می‌کند،

۳۳- صفت ذاتی متمایز کننده یک ذات از ذات‌های دیگر..... است.

۳۴- فصل هم ذاتی و درونی و هم کلی است.

۳۵- فصل انسان از سایر حیوانات..... فصل حیوان از گیاهان و جامدات..... فصل گیاهان از جامدات..... و فصل جامدات از مجردات..... و فصل آب..... فصل آتش..... فصل یخ..... فصل مثلث..... فصل اسب..... است.

۳۶- مجموع..... و..... نوع است. مانند: مجموع حیوان که جنس است و متفکر که فصل است، تشکیل نوع را می‌دهد که انسان است و در عالم خارج وجود دارد.





۳۷- انواع در عالم خارج وجود دارند و هر آنچه را که ما در اطراف خود می‌بینیم و می‌توانیم در باره آن بررسییم چیست ؟ می‌باشد. ماهیات نوع یا ذات هستند که به آنها مصداق خارجی می‌گویند.

۳۸- «انواع» از حیث امور.....یکی هستند اما از حیث امور.....متفاوت هستند.

۳۹- اشتراک سگ، گربه، اسب، در.....و اختلاف آنها در.....است.

۴۰- سه مفهوم درونی.....و.....و.....را ذاتیات می‌گویند.

۴۱- از میان مفاهیم زیر جنس را پیدا کرده و انواع آن را در مقابلش بنویسد.

مستقیم- کرفس- شکل- خط- منحنی- گیاه- مستطیل- سیب- دایره

۴۲- از میان مفاهیم زیر آنهایی که نسبت به انسان جنس هستند مشخص کنید.

حیوان- ناطق- کاتب- جسم نامی- ضاحک- جوهر

۴۳- اشتراک ذاتی‌ها در بودن آنهاست.

۴۴- از کلیات پنجگانه، «.....» و «.....» عرضی هستند. یعنی مفاهیم بیرونی هستند.

۴۵- برخی از عرضی‌ها لازمه‌ی یک نوع خاص است که به آن «.....» گفته می‌شود مانند: خندان(ضاحک) گریان، آرزو داشتن، و متعجب برای انسان و سه زاویه برای مثلث و رنگ برای جسم و بیماری برای حیوان و میوه دار برای گیاه

۴۶- عرضی‌ها که مشترک میان چند نوع هستند و اختصاص به نوع خاصی ندارند، «.....» گفته می‌شود مانند: چاگی، لاغری، سردی، سفیدی، راه رفتن و....

۴۷- قسم کلی ذاتی و دو قسم کلی عرضی را مجموعاً یا «.....» می‌گویند.

۴۸- مفهوم درونی مشترک.....، مفهوم درونی اختصاصی.....، مجموع جنس و فصل.....، مفهوم بیرونی اختصاصی.....، و مفهوم بیرونی مشترک..... نامیده می‌شود که مجموعاً کلیات پنجگانه نامیده می‌شوند.

سوالات تست

۱- مقوم ماهیت همان امور است و «شور بودن» برای آب و نمک به ترتیب، موصوف به..... و..... می‌باشد و کلی عین ماهیات همان..... است. (سراسری ۸۹)

۱- عرضی-ذاتی- عرضی- اجناس ۲- عرضی -ذاتی- عرضی- انواع





۳-ذاتی- عرضی- ذاتی- انواع ۴-ذاتی- عرضی- ذاتی- اجناس

۲- به ترتیب پاسخ به سوالات «حسن، حسین و مریم چیست اند؟» و «انسان، اسب و خرگوش چیست اند؟» (سراسری ۹۲)

۱-جنس- نوع ۲-نوع- جنس ۳- نوع- فصل ۴-فصل- نوع

۳-با توجه به تفاوت های ذاتی و عرضی، کدام دسته از مفاهیم به ترتیب تقدم آنها در ذهن مرتب شده اند؟ (سراسری ۹۴)

۱-مقدار- زوج- عدد- دو ۲-گور خر- حیوان- راه راه- چهار پا

۳-مایع- آبلیمو- اسیدی- ترش مزه ۴-مقدار- سه زاویه- مثلث- متساوی الساقین

۴-در کدام یک «جسم» جنس همه‌ی مفاهیم شمرده می‌شود؟ (سراسری ۹۴)

۱-هوا- پوست بدن- ماهی- اتم ۲-لاک پشت- سرخی- سنگ- حیوان ناطق

۳-عروس دریایی-خزه- استوانه- سنگ ۴-جسم غیر نامی-مجسمه- استقامت- خانه

۵-گسترده ترین مفهوم نسبت به «مکعب» کدام است؟ (سراسری ۹۴ خارج از کشور)

۱-جسم ۲-مقدار ۳-دارای ابعاد ۴-شش وجهی

۶- با در نظر گرفتن تعریف «فصل» ترتیب کدام دسته از مفاهیم مناسب تر است؟ (سراسری ۹۵ خارج از کشور)

۱-مفهوم- کلی- ذاتی ۲- ذاتی- کلی- خاص یک ماهیت

۳-مفهوم- ذاتی- کلی ۴-کلی- خاص یک ماهیت- ذاتی

۷-طریق صحیح در ارائه تعاریف درست، استفاده از مفاهیم..... است و نسبت حاکم بین دو مفهوم «موحد و مسلمان» و دو مفهوم «رنگ و قرمز» به ترتیب عموم و خصوص می‌باشد (سراسری ۹۰ خارج از کشور)

۱-جزئی- مطلق- من وجه ۲-جزئی- من وجه- من وجه

۳-کلی- مطلق- مطلق ۴-کلی- من وجه- مطلق

۸-رنگ پذیر نسبت به جسم و ناطق نسبت به حیوان، به ترتیب مصداق کدام مفاهیم قرار می‌گیرند؟ (سراسری ۹۶)

۱-عرض خاص- عرض خاص ۲-عرض عام - عرض عام





۳- عرض خاص- فصل

۴- عرض خاص- نوع

پاسخنامه سوالات جا خالی

۱- جزئی- ۲- محال- ۳- جزئی ۴- کلی ۵- کلی ۶- کلی ۷- کلی ۸- کلی ۹- اربع ۱۰- تساوی- انسان و متفکر ۱۱- عموم و خصوص مطلق ۱۲- سه ۱۳- عموم و خصوص من وجه ۱۴- چهار ۱۵- تباین ۱۶- دو ۱۷- استدلال- تعریف ۱۸- ذاتی- عرضی ۱۹- ذاتیات ۲۰- عرضیات ۲۱- ذاتی ۲۲- عرضی ۲۳- یک- ذاتی ۲۴- ذاتی- عرضی ۲۵- علت- عرضی ۲۶- در مقام تصور- عرضی ۲۷- جنس ۲۸- انواع ۲۹- خارج ۳۰- جنس ۳۱- کلی ۳۲- فصل ۳۳- فصل ۳۴- فصل ۳۵- ناطق- حساس- نامی- سه بعدی- بی رنگ، بی بو، بی مزه- گرم بودن- سرد بودن- سه ضلعی- شبیه کشندگی ۳۶- جنس- فصل ۳۷- نوع ۳۸- ذاتی- عرضی ۳۹- جنس- امور عرضی ۴۰- جنس- فصل- نوع ۴۱- خط، منحنی- مستقیم/ گیاه، کرفس- سیب/ شکل، دایره- مستطیل ۴۲- حیوان- جسم نامی- جوهر ۴۳- درونی ۴۴- عرض خاص- عرض عام ۴۵- عرض خاص ۴۶- عرض عام ۴۷- کلیات پنجگانه- کلیات خمس ۴۸- جنس- فصل- نوع- عرض خاص- عرض عام

پاسخنامه سوالات تستی

۱- گزینه سه ۲- گزینه دو ۳- گزینه سه ۴- گزینه یک ۵- گزینه دو ۶- گزینه یک (مفهوم یا کلی است یا جزئی/ کلی یا ذاتی است یا عرضی/ ذاتی یا جنس است یا فصل یا نوع ۷- گزینه سه ۸- گزینه یک

بخش سوم تعریف

درس چهارم «انواع و شرایط تعریف»

در دروس گذشته گفته شد که هر گاه تصویری برای ما مجهول باشد برای روشن شدن از «تصور های معلوم» استفاده می شود تا به چیرستی یک مفهوم برسیم این عمل «تعریف» نامیده می شود.

انواع تعریف:

۱- تعریف لغوی (تعریف لفظی) ۲- تعریف به مثال (تعریف مصداقی یا تعریف به تشبیه)

۳- تعریف تحلیلی



۱- **تعریف لغوی:** بیان کردن لفظ با لفظ دیگری که معنای آن برای شنونده شناخته شده تر باشد. فرهنگ نامه ها و لغت و واژه نامه ها هر یک مشتمل بر مجموعه ای از تعاریف لفظی است؛ در این شیوه، معنای لغوی یک مفهوم یا نحوه شکل گیری **لغوی** آن بیان می‌شود.

مانند: فردوس معرب کلمه فارسی پردیس، به معنای باغ، بستان، بهشت

در این شیوه از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا استفاده می‌شود و به آن «تعریف لفظی» نیز می‌گویند.

۲- **تعریف به مثال:** در این تعریف به ذکر نمونه ها یا تصاویری از مصادیق واژه مورد نظر یا موارد شبیه به آن می پردازیم که به آن تعریف «مصادقی یا تعریف به تشبیه» نیز گویند.

مانند: خود نویسن: و سبیلہ ای شبیہ خود کار

۳-تعریف تحلیلی: به دو روش انجام می‌شود

الف: تعریف به مفاهیم عام و خاص مانند: مثلث: شکلی است که دارای سه ضلع است

عام	خاص
-----	-----

توجه: تعریف با مفهوم عام آغاز می‌شود و سپس مفهوم خاص تر بیان می‌شود

ب: تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی ها مانند: آب: مایع شفاف، بی رنگ، بی بو

نکته: گاه در تعریف ترکیب انواع تعریف می‌آید. مانند: انتشارات: جمع انتشار و نشر،

تعريف لغوی

سازمانی است که فرآیند تولید کتاب را بر عهده دارد

تعريف تحليلي

مانند: انتشارات سمت، انتشارات مدرسه و...

تعریف به مثال

تکلیف

مثال های زیر کدامیک از انواع تعریف است؟

۱- اریکه: تخت ۲-خوایار: قسمتی از ماهی ۳-سعدانه: نوعی گیاه

۴-مثلاً: شکل سه ضلعی

^۴ دکتر محمد علی اژه ای- مبانی منطق- صفحه ۶۳-۶۴





۶- میر کروکروم: دوی سرخو یا دوا گلی که از صمغ درختی به نام «غرق» گرفته و برای زخم استفاده میشد که خاصیت ضد عفونی کننده داشت شبیه بتادین

۷- شیرینی: کیفیتی چشیدنی ۸- عنقا: سیمرغ

۹- نبی: از ن-ب-ء کبأ ← خبر و در اصطلاح عبارت است از انسانی که از آسمان مأمور است به اصلاح احوال مردم از جهت معیشت و معاد آن ها در حالی که به چگونگی این امر عالم است بدون آنکه علم خود را از انسان دیگری اخذ کند و مأموریت وی بلا واسطه از جانب خداست.^۵

شرایط تعریف صحیح

۱- واضح بودن تعریف ۲- جامع بودن ۳- مانع بودن ۴- دوری نبودن

۱- واضح بودن؛ در تعریف باید از مفاهیم واضح و قابل فهم و روشن تر و شناخته شده تر از معرّف استفاده کنیم و از الفاظ مبهم نا مأنوس و دارای استعاره و ابهام پرهیزیم. مانند آتش: عنصری شبیه نفس انسان

۲- جامع بودن؛ تعریف باید تمامی مصادیق معرّف را در بر بگیرد و به اصطلاح «جامع افراد» باشد.

مانند: مثلث: شکل سه ضلعی متساوی الاضلاع ← جامع نیست

۳- مانع بودن؛ تعریف باید تنها بر مصادیق معرّف صدق کند و بر مفاهیم دیگر صدق نکند و به اصطلاح «مانع اغیار» باشد. مانند: سیب میوه ای مفید

نکته: اگر نسبت بین معرّف و معرّف از نسب اربع «عموم و خصوص من وجه» باشد نه جامع است نه مانع

۴- تعریف دوری؛ تعریف یک چیز نباید با استفاده از خودش باشد (تعریف شی به خود) مانند: حرکت مکانی: انتقال شیء از مکانی به مکان دیگر

تکلیف

در تعاریف زیر کدامیک از قواعد تعریف رعایت نشده است؟

۱- سیب: میوه ای مفید است

۲- فرشته: از عقول مجرده است.

۳- انسان: حیوان متحرک است.

^۵ منطق ۱- دکتر قراملکی- صفحه ۹۵





- ۴-مثلت: شکل دارای اضلاع است. سه پاره خط که یکدیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند/ شکل سه ضلعی قائم الزاویه
- ۵-مربع: خطی چهار ضلعی است.
- ۶-حلو: غذایی شیرین است.
- ۷-قارچ: گیاهی خوردنی است.
- ۸-زمین: سیاره‌ای است که به دور خورشید می‌چرخد.
- ۹-شکل: آن است که محدود به خطوطی باشد.
- ۱۰-تداعی معانی: استعداد ذهنی که به وسیله آن ذهن از دیدن چیزی یاد چیز دیگری بیافتد.
- ۱۱-فعل: کلمه ای است که بر وقوع عملی در گذشته یا آینده دلالت می‌کند.
- ۱۲-ایرانی: کسی است که فارسی صحبت می‌کند.
- ۱۳- شراب: انگور تخمیر شده.
- ۱۴-خداوند: آنکه علت العلل، غایت الغایات و علت نخستین است.
- ۱۵-انسان: جسمی جاندار که می‌تواند راه برود.
- ۱۶-تصور: کاری که برای رسیدن به چپستی یک مفهوم است.
- ۱۷-عدد چهار: کوچک ترین عددی است که بر ۲ قابل قسمت است.
- ۱۸-منطق:تشریح قواعد تعریف.
- ۱۹-خوزنقه: شکل چهار ضلعی.
- ۲۰-انسان:موجود اجتماعی /حیوان راست قامت/حیوان پزشک/جسم رشد کننده/حیوان سخنگو/مهندس راه رونده/حیوانی که بر روی دو پا راه می‌رود
- ۲۱- دایره: شکل منحنی الدور
- ۲۲-آهن: فلزی که در ساختمان سازی بکار می‌رود.
- ۲۳-آتش: عنصری شبیه نفس انسان.
- ۲۴-قدیم: چیزی که حادث نباشد.
- ۲۵-شیعه: مسلمانی که قائل به دوازده امام است.





۲۶- سخن چین: واشی

۲۷- مسلمان: کسی که به خدای واحد اعتقاد دارد

۲۸- سگ: چهار پایی با وفا

۲۹- عطر: ماده ای خوشبو

۳۰- انار: میوه ای ترش

۳۱- ایرانی: کسی که فارسی صحبت می‌کند

۳۲- حرکت: یعنی انتقال مکانی (شرح اسم)

۳۳- عقل: اول صادر ازلی

۳۴- پراید: خود روی انژکتوری

۳۵- شکر کیفیتی چشیدنی

۳۶- جابه جایی: دَوران حول یک محور به نحوی که چیزی که هست به نیست تبدیل شود

۳۷- فوتبال: دویدن با توپ

پاسخنامه

۱- مانع نیست ۲- مبهم تر است ۳- مانع نیست ۴- مانع نیست- بی ارتباط است- جامع نیست ۵- بی ارتباط است ۶- مانع نیست ۷- جامع و مانع نیست ۸- مانع نیست ۹- بی ارتباط است (چون تعریف محیط است) ۱۰- جامع نیست ۱۱- جامع نیست ۱۲- جامع و مانع نیست ۱۳- بی ارتباط است ۱۴- مبهم تر است ۱۵- مانع نیست ۱۶- بی ارتباط است ۱۷- بی ارتباط است چون ۲ کوچکتر است ۱۸- جامع نیست ۱۹- مانع نیست ۲۰- مانع نیست- مانع نیست- جامع نیست- جامع و مانع نیست- مفاهیم درونی را در بر نگرفته- مانع نیست ۲۱- مانع نیست ۲۲- جامع و مانع نیست ۲۳- مبهم تر است ۲۴- مبهم تر است ۲۵- جامع نیست ۲۶- مبهم تر است ۲۷- مانع نیست ۲۸- مانع نیست ۲۹- مانع نیست ۳۰- جامع و مانع نیست ۳۱- جامع و مانع نیست ۳۲- شرح اسم است ۳۳- مبهم تر است ۳۴- مانع نیست ۳۵- مانع نیست ۳۶- شرح اسم ۳۷- مانع نیست

سوالات جاخالی

۱- انواع تعریف شامل تعریف.....تعریف به.....و تعریف.....است.

۲- تعریف لغوی همان تعریف.....است

۳- تعریف به مثال همان تعریف به.....است.





- ۳- تعریف تحلیلی به دو روش است ۱- تعریف به مفاهیم..... ۲- تعریف به
۴- هر گاه در تعریف دماوند به بلند ترین قله رشته کوه های البرز یک تعریف..... اس.
۴- در تعریف از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.
۵- هر گاه به ذکر نمونه ها یا تصاویری از مصادیق واژه مورد پرداختیم تعریف..... است.
۶- تعریف به مثال تعریف..... یا..... است.
۷- تعریف به مفاهیم عام و خاص نوعی تعریف..... است.
۸- تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی ها تعریف به..... است.
۹- تعریف جیوه به فلزی که در دمای طبیعی مایع است، تعریف به..... است.
۱۰- باید روشن تر از باشد.
۱۱- معرف باید از مفاهیم مرتبط با..... باشد. بنابراین اگر تعریف اشتباه باشد، باید گفت ارتباطی با معرف ندارد.
۱۲- معرف باید به گونه ای باشد که همه یا بخشی از مفاهیم درونی (سازنده) معرف.
۱۳- در ترکیب مفاهیم و تصورات، به طور طبیعی از مفاهیم..... شروع می کنیم و به مفاهیم..... می رسیم.
۱۴- ف باید..... باشد. یعنی به گونه ای باشد که به طور کامل همه ی افراد و مصادیق مجهول ما را در بر بگیرد و همچنین باید..... باشد. یعنی افراد و مصادیق بی ارتباط را در بر نگیرد.
۱۵- تعریف نباید بیشتر از معرف
۱۶- تعریف نباید ف (اخص) باشد که در این صورت..... نیست.
۱۷- مانع و جامع بودن تعریف یعنی معرف ف..... باشد.
۱۸- نسبت بین معرف و معرف از نسبت های چهارگانه..... است.

پاسخنامه

- ۱- لغوی یا لفظی- تعریف به مثال یا تشبیه- تعریف تحلیلی ۲- لفظی ۳- عام و خاص- اوصاف و ویژگی ها
۴- لغوی ۵- تعریف به مثال یا تشبیه ۶- تعریف مصداقی- تعریف به تشبیه ۷- تحلیلی ۸-
تحلیلی ۹- به ویژگی ها و اوصاف ۱۰- معرف- معرف ۱۱- معرف ۱۲- حقیقت- ماهیت ۱۳- عام
تر- خاص تر ۱۴- جامع- مانع ۱۵- مانع ۱۶- جامع ۱۷- مساوی ۱۸- تساوی





سوالات تستی

۱- هر گاه مربع را به «شکلی که چهار ضلع مساوی دارد»، زمین را به «سیاره ای که دور خورشید می‌چرخد»، تعریف کنیم، تعریف ما به ترتیب.....،.....،..... و «موضوع» در دو قضیه مورد نظر، به ترتیب..... و..... است. (سراسری ۹۰)

۱- جامع- مانع- نیست- جزئی- کلی ۲- جامع- جامع- است- کلی- جزئی

۳- مانع- مانع- نیست- جزئی- کلی ۴- مانع- جامع- است- کلی- جزئی

۲- در تعریف «مثلث»، «فعل»، «تصور» به «سه پاره خط که یکدیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند» و «کلمه ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را بیان می‌کنند» و «یکی از اقسام فکر» به ترتیب می‌توان گفت... (سراسری ۹۱)

۱- صحیح است- جامع نیست- مانع نیست ۲- صحیح است- مانع نیست- مانع نیست

۳- بی ربط است- مانع نیست- بی ربط است ۴- بی ربط است- جامع نیست- بی ربط است

۳- تعریف «تصور» به «کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم انجام می-دهیم» تعریف..... است. (سراسری ۹۲)

۱- نادرستی ۲- به حد تام ۳- به حد ناقص ۴- به شرح اسم

۴- تعریف باید جامع باشد؛ یعنی... (سراسری ۹۳ خارج از کشور)

۱- مصادیق متعددی نداشته باشد ۲- مفاهیم بی ارتباط را در بر نگیرد

۳- افراد معرف خارج از آن قرار نگیرد

۴- محتوای مفهوم را به طور کامل در بر بگیرد

۵- تعریف مثلث به «شکلی که محدود به سه ضلع است» تعریفی است... (سراسری ۶۷)

۱- جامع ۲- جامع و مانع ۳- مانع ۴- نه جامع نه مانع

۶- اگر در تعریف مثلث گفته شود «شکلی است محدود به سه ضلع مساوی» با توجه به شرایط تعریف، چه اشکالی در آن موجود است؟

۱- مانع است ولی جامع نیست ۲- جامع است ولی مانع نیست

۳- تعریف بی ربط است ۴- نه جامع است نه مانع

۷- هر گاه فعل را به «کلمه ای که بر انجام دادن کار در گذشته یا حال یا آینده دلالت دارد» تعریف کنیم کدامیک از شرایط تعریف رعایت نشده است؟





- ۱- معرف نباید اعم از معرف باشد
۲- معرف نباید اخص از معرف باشد
۳- معرف باید اعم از معرف باشد
۴- معرف باید اخص از معرف باشد

پاسخنامه

- ۱- گزینه دو ۲- گزینه سه ۳- گزینه یک ۴- گزینه چهار ۵- گزینه دو ۶- گزینه یک ۷- گزینه دو

درس پنجم «اقسام استدلال و کاربرد های آن»

گفته شد استدلال یعنی استفاده از قضایای معلوم برای رسیدن به نتیجه ای مطلوب که قبلاً آن را نمی- دانستیم «ترکیب قانونمند قضایای معلوم برای رسیدن به نتیجه ای مطلوب» اساساً ماهیت استدلال را همین قضایای معلوم می- سازند.

استدلال بر سه نوع است: ۱- استدلال تمثیلی ۲- استدلال استقرایی ۳- استدلال قیاسی

نکته: امروزه استدلال تمثیلی را نیز نوعی استدلال استقرایی به شمار می- آورند و بر این اساس استدلال به دو دسته کلی استدلال قیاسی (مقدمات ضرورتاً باعث پدید آمدن نتیجه می- شود) و استدلال استقرایی (مقدمات ضرورتاً نتیجه قطعی را به دنبال ندارند) تقسیم می- شود.

۱- استدلال تمثیلی؛ از جزئی به جزئی رسیدن. هر گاه از مقدمه ای جزئی به دلیل مشابهت ظاهری با امری دیگر، به نتیجه جزئی دیگری دست یابیم. مانند: هم کلاسی من که چپ دست است باهوش

شباهت جزئی

است پس تو هم که چپ دستی باهوشی

جزئی حکم یا نتیجه

کاربرد استدلال تمثیلی: تمثیل یکی از روش ها در توضیح و فهم مطالب است به همین دلیل در علوم مختلف از مشابهت میان پدیده های مختلف برای توضیح بهتر مطالب استفاده می- کنند. مانند: ادبیات- روان شناسی- صنایع هوایی

توجه: استدلال تمثیلی استدلالی ضعیف است و نتایج آن قطعی نیست بلکه احتمالی است و اگر گفته شود در تمثیل نتیجه همیشه قطعی است، می- تواند استدلال تمثیلی باعث ایجاد مغالطه تمثیل نا روا شود. مانند: چون این دارو بر روی موش ها اثر نیکو داشته پس بر روی انسان هم حتماً اثر نیکو دارد. هر چه مشابهت بین دو امر بیشتر باشد استدلال تمثیلی قوی تر است.





شیوه های نقد استدلال تمثیلی؛

۱- توجه به وجوه اختلاف بین دو مورد ۲- یافتن استدلال تمثیلی مخالف

تکلیف

در حکایت زیر شیوه های نقد را در استدلال تمثیلی به کار ببرید.

«روزی سیاحی نزد بایزید آمد. بایزید از وی پرسید: چرا این قدر سفر می‌کنی؟ سیاح پاسخ داد: آب اگر یک جا بماند، می‌گندد.»

۲- استدلال استقرایی؛

هر گاه از مقدمات جزئی به نتیجه کلی برسیم نوع استدلال استقرایی است.

استقرا ← از جزئی به کلی رسیدن یا استنتاج کلی از جزئی

توجه: نتیجه استقرا همیشه یک قضیه کلی است

استقرا بر دو قسم است؛ ۱- استقرای تام ← همه اعضاء و مقدمات جزئی را بررسی می‌کنیم و حکمی کلی می‌دهیم (نتیجه غیر قابل تردید و یقینی است)

۲- استقرا ناقص ← برخی افراد و مقدمات را بررسی می‌کنیم و حکمی کلی می‌دهیم. ← از راه تعمیم (قابل تردید و غیر یقینی است)

نکته: استدلال های استقرایی از نظر قوت و ضعف متفاوتند.

مبنای اعتماد بر علوم تجربی بر اساس استقرا ناقص است که دانشمندان تلاش می‌کنند این مبنا را از استدلال های استقرایی قوی بدست آورند.

شرایط استقرای قوی:

۱- نمونه ها باید متفاوت و تصادفی باشد و بیانگر همه طیف های مختلفی که بررسی خواهند شد

۲- تعداد نمونه ها نسبت به کل جامعه آماری نسبت مناسبی داشته باشند.

استدلال استقرایی «استنتاج بهترین تبیین»

بررسی احتمالات مختلف و حذف تبیین های اشتباه برای رسیدن به بهترین تبیین و کنار زدن سایر احتمالات

توجه: چون استنتاج بهترین تبیین نوعی استقرا است، پس نتیجه آن قطعی نیست زیرا ممکن است احتمالات دیگر نیز وجود داشته باشد.





تکلیف

بهترین تبیین را نتیجه گیری کنید.

من هنگامی که از اتاق خارج شدم بخاری را روشن نمودم اما اکنون که باز گشته ام اتاق بسیار سرد است.

استدلال قیاسی؛

استدلالی است از کلی به جزئی یا استنتاج جزئی از کلی است که اگر مقدمات آن صادق باشند نتیجه حتماً صادق است. در صورتی که از مقدمه کلی به نحو ضروری به نتیجه جزئی رسیدیم، استدلال را قیاسی می‌نامیم. مانند: احمد انسان است هر انسانی قلب دارد پس: احمد قلب دارد

اقسام قیاس: ۱- اقترانی ۲- استثنایی

۱- اقترانی: اجزای نتیجه میان مقدمات پخش است

مانند: جیوه فلز است هر فلزی رسانا است پس: جیوه رسانا است

۲- قیاس استثنایی: عین نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده است.

مانند: اگر حرارت به صد درجه برسد آب می‌جوشد حرارت به صد درجه رسیده است

پس: آب می‌جوشد

تکلیف

نوع استدلال ها را مشخص کنید.

۱- از جزئی به کلی ۲- از جزئی به جزئی

۳- معلمی پس از پرسش از نیمی از دانش آموزان کلاس، نتیجه گرفت کل کلاس درس را فراگرفته‌اند.

۴- معاون ادراه مانند چرخ یدکی اتومبیل است که در مواقع اضطراری به کار می‌آید.

۵- شخصی که در اروپا زندگی می‌کرد با رفتار سرد همسایگان اروپایی خود مواجه شد، سپس نتیجه گرفت که همه‌ی اروپایی‌ها بی‌عاطفه هستند.

۶- کبوتر پرنده است ۲ هر پرنده‌ای خونگرم است ن: کبوتر خونگرم است.

۷- احمد با هوش است برادرش هم با هوش است پس: خانواده احمد باهوش است

۸- دانش آموزان نهمی درس خوانند دانش آموزان دهمی درس خوانند





پس: دانش آموزان درس خوانند

۹- پس از بررسی مدار حرکت تمام سیارات منظومه شمسی حکم کنیم که همه آن مدار ها بیضی شکل هستند

۱۰- آزمون امروز دشوار بود هر آزمون دشواری قابل تحلیل است پس: آزمون امروز قابل تحلیل است

۱۱- هر کلاغی سیاه است زیرا تا به حال کلاغی به رنگ دیگر ندیده ایم

۱۲- تصادف امروز ناشی از خواب آلودگی است زیرا اکثر تصادفات ناشی از خواب آلودگی هستند

۱۳- انسان مانند یک دیگ بخار است که باید فشار های درونی خود را به نحوی آزاد کند

۱۴- لقمان را گفتند عالم به عمل به چه ماند؟ گفت: به زنیور بی عمل

۱۵- رنگ آب انار مانند رنگ آب زرشک است پس: مانند مانند آن ترش است

صناعات پنجگانه- بر اساس اهداف

استدلال بر اساس **اهداف** متفاوتی که در زنگی داریم به پنج دسته تقسیم می-شود.

۱- برهان ۲-خطابه ۳- جدل ۴- شعر ۵- خطابه

۱- برهان؛ هدف برهان **فهم حقیقت یا ایصال به حقیقت** است. استدلال های به کار رفته در علوم تجربی و انسانی «برهان» است. -ماده: یقینیات و بدیهیات- محسوسات- مجربات- متواترات

۲- **خطابه**؛ هدف خطابه قانع کردن دیگران است به همین دلیل به آن **فن اقناع** گفته می-شود. در غالب سخنرانی های مذهبی یا در میان تجمع اعتراضی یا در تبلیغات از این فن استفاده می-شود برای ترغیب به انجام کاری یا باز داشتن از عملی-ماده: مشهورات- مضمونات- مقبولات

۳- **جدل**؛ هدف جدل **غلبه بر دیگران و شکست طرف مقابل** به نحوی که وادار به سکوت شود و ناچار به پذیرش یا اعتراف به شکست شود. مانند استدلال های حضرت ابراهیم با ماه و خورشید پرستان -ماده: مشهورات- مسلمات

۴- **شعر**؛ هدف شعر آن است که فرد، **عالم خیال مخاطب را آن گونه که خود می-خواهد تحت تأثیر** قرار دهد-ماده: مخیلات

۵- **مغالطه**؛ در واقع شبه استدلال است و هدف **گمراهی و بد فهمی مخاطب** است. -ماده: مشبهات- و همیات





توجه: قیاس دارای دو جنبه است ۱- صورت ۲- ماده توجه داشته باشید که تقسیمات پنجگانه بر اساس ماده یا محتوای قیاس بر این اساس که از چه نوع قضایایی فراهم آمده اند نیز متفاوتند

سوالات جا خالی

- ۱- استدلال بر سه قسم است استدلال.....و.....و.....
- ۲- استدلال..... از جزئی به جزئی رسیدن از طریق مشابَهت است.
- ۳- استدلال..... از جزئی به کلی رسیدن از طریق تعمیم است.
- ۴- استدلال..... استنتاج کلی از جزئی است.
- ۵- استدلال..... از کلی به جزئی رسیدن است.
- ۶- استدلال..... استنتاج جزئی از کلی است.
- ۷- هر گاه در علوم مختلف از شباهت میان پدیده های مختلف برای توضیح بهتر مطالب استفاده شود، از استدلال..... استفاده شده است.
- ۸- نتیجه استدلال تمثیلی ضعیف و احتمالی است بنابراین.....و.....نیست.
- ۹- توجه به وجوه اختلاف و یافتن استدلال تمثیلی مخالف از شیوه های نقد استدلال..... است.
- ۱۰- در باره استدلال های..... از اصطلاح «قوی و ضعیف» استفاده می شود.
- ۱۱- مبنای علوم تجربی استفاده از استدلال های..... قوی است.
- ۱۲- از شرایط استقرای..... آن است که نمونه ها متفاوت و تصادفی باشد و تعداد نمونه ها نسبت به کل جامعه آماری، نسبت مناسبی باشد.
- ۱۳- روش..... بررسی احتمالات مختلف یک پدیده و حذف تبیین های اشتباه برای رسیدن به بهترین..... است.
- ۱۴- نتیجه استقرا همیشه یک قضیه..... است.
- ۱۵- استدلال قیاسی به دو دسته..... و..... تقسیم می شود.
- ۱۶- هر گاه اجزای نتیجه میان مقدمات پخش شود، استدلال قیاسی..... است.
- ۱۷- هرگاه عین نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از مقدمات استدلال ذکر شود استدلال قیاسی..... است.
- ۱۸- هدف..... فهم حقایق علمی و رسیدن به حقیقت است.





۱۹- استدلال هایی که در علوم تجربی و انسانی به کار رفته است از نوع.....است.

۲۰- هدف..... قانع کردن دیگران است و لذا فن اقناع است.

۲۱- هدف..... غلبه بر دیگران و شکست طرف مقابل است به نحوی که حرفی برای گفتن نداشته باشد و وادار به سکوت شود.

سوالات تستی

۱- در حکمی که دانشمندان مبنی بر بیضی شکل بودن مدار حرکت تمام سیارات منظومی شمسی پس از بررسی همه‌ی آنها ارائه کرده اند، چه استدلالی صورت گرفته است و چه حکمی دارد؟ (سراسری ۸۹)

۱- استقرای تام- گاهی یقین بخش است ۲- استقرای تام- همواره یقین بخش است

۳- تمثیل- گاهی یقین بخش نیست ۴- تمثیل- گاهی یقین بخش است

۲- نتیجه استقرا لزوماً کلی..... در ریاضیات، از آن استفاده.... و در علوم تجربی..... دانشمند است. (سراسری ۹۲)

۱- است- نمی‌شود- مورد استفاده‌ی ۲- نیست- می‌شود- مبنای اعتماد

۳- است- می‌شود- مبنای اعتماد ۴- نیست- نمی‌شود- مورد استفاده‌ی

۳- نمی‌توان در باره‌ی مقدمات استدلال گفت: (سراسری ۹۳)

۱- در خود استدلال اثبات می‌شوند ۲- گاهی مبتنی بر حواس هستند

۳- از منابع مختلفی بدست می‌آیند ۴- جزء پیش دانسته های انسان هستند

۴- پذیرش نتیجه استدلال، تابع کدام است؟ (سراسری ۹۴)

۱- درستی ماده ۲- پذیرش مقدمات

۳- یقینی بودن مقدمات ۴- اعتبار صورت استدلال

۵- کدام عبارت در باره‌ی استدلال درست است؟ (سراسری ۹۵)

۱- باید از معلومات گذشته تشکیل شود

۲- پاسخ هر سوالی را با آن می‌توان داد

۳- تابع قوانین خاصی است که در منطق وضع شده است





۴- همیشه مقدمات آن با استدلال های قبلی ثابت شده است

۶- قیاس چه نوع استنتاجی است؟ (سراسری ۸۲)

۱- کلی از جزئی ۲- جزئی از کلی ۳- جزئی از جزئی ۴- کلی از کلی

۷- صدور یک حکم کلی از تک تک افراد مورد بررسی با استفاده از چیست و چه نام دارد؟ (سراسری ۸۵)

۱- تصورات- استقرا تام ۲- تصدیقات- استقرا ناقص

۳- تصدیقات- استقرا تام ۴- تصورات- استقرا ناقص

۸- تعمیم یک خصوصیت توسط محقق به افراد خارج از محدوده تحقیق، شکل دنده..... است. (سراسری ۸۴)

۱- استقرا تام ۲- استقرا ناقص ۳- تمثیل ۴- قیاس مع الفارق

۹- پاستور چون متوجه شد که تخمیر مشروبات الکلی به سبب موجودات ریز جاندار است، ممکن است علت بیماری های عفونی نیز ذرات ریز جاندار باشد. این فرض بر اساس کدام استدلال منطقی است؟ (سراسری ۷۵)

۱- استقرا تام ۲- استقرا ناقص ۳- تمثیل ۴- قیاس

۱۰- کدام عبارت در باره قیاس صحیح است؟

۱- اگر مقدمات قیاس صحیح نباشند، نتیجه ضرورتاً صادق نیست

۲- اگر کسی مقدمات قیاس را بپذیرد، راهی برای انکار نتیجه آن ندارد

۳- با وجود صحت مقدمات و صورت قیاس، ممکن است نتیجه به دلایل دیگری صحیح نباشد

۴- در قیاس نتیجه در ضمن مقدمات وجود دارد و بنابر این ذهن مطلب تازه ای به دست نمی دهد

پاسخنامه سوالات جا خالی

۱- تمثیلی- استقرایی- قیاسی ۲- تمثیل ۳- استقرایی ۴- استقرایی ۵- قیاسی ۶- قیاسی ۷- تمثیلی ۸- یقینی- قطعی ۹- تمثیلی ۱۰- استقرایی ۱۱- استقرایی ۱۲- قوی ۱۳- استنتاج بهترین تبیین- تبیین ۱۴- کلی ۱۵- اقترانی- استثنایی ۱۶- اقترانی ۱۷- استثنایی ۱۸- برهان ۱۹- برهان ۲۰- خطابه ۲۱- جدل

پاسخ سوالات تست

۱- گزینه دو ۲- گزینه سه ۳- گزینه یک ۴- گزینه دو ۵- گزینه یک ۶- گزینه دو ۷- گزینه سه ۸- گزینه دو ۹- گزینه سه ۱۰- گزینه دو





درس ششم « قضیه حملی »

قضیه

جملات به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱- انشایی ۲- خبری

انشایی ← جملاتی که خبری از عالم خارج نمی‌دهند بلکه احساسات و تمایلات و خواسته های افراد را بیان می‌کنند. که شامل: امر، نهی، آرزو، دعا، استفهام، تعجب... می‌باشند. مانند: ای کاش باران بیاید به بازار برو

خبری ← جملات با معنایی که در باره چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم در باره صدق (درستی) یا کذب (نادرستی) آن‌ها سخن بگوییم که نام دیگر آن «قضیه» است.

جملات خبری صادق: یعنی با واقعیت مطابقت دارند. مانند: انسان فانی است

جملات خبری کاذب: با واقعیت مطابقت ندارند. مانند: اسب ناطق است

اقسام قضیه

۱- **قضیه حملی**: قضیه ای که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می‌شود.

مانند: هوا سرد است

۲- **قضیه شرطی**: به قضیه ای که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم شود به شرط بودن یا نبودن نسبتی دیگر متصل منفصل

مانند: اگر درس بخوانی موفق می‌شوی ← اتصال

عدد یا زوج است یا فرد ← انفصال

اجزای قضیه حملی: ۱- موضوع ۲- محمول ۳- رابطه (نسبت)

ادبیات ← نهاد مسند فعل ربطی

ایران پهناور است

قضایا از حیث رابطه (کیفیت قضیه)





۱- **موجبه**—در صورتی که رابطه قضیه ایجابی باشد. مانند: است

۲- **سالبه**—در صورتی که رابطه قضیه سلبی باشد. مانند: نیست

اقسام قضایای حملیه:

۱- **قضیه شخصییه:** اگر موضوع قضیه مفهومی جزئی باشد. مانند: ابن سینا حکیم است

یا بر مجموعه معین دلالت کند که «شخصیه جمعی» نامیده می‌شود. در این صورت محمول بر مجموع افراد حمل می‌شود نه بر تک تک آن‌ها. مانند: یاران حضرت عیسی ۱۲ نفر بودند.

۲- **قضیه محصوره:** اگر موضوع قضیه کلی باشد. مانند: هر انسانی نطق است

اقسام قضایای محصوره:

۱- **موجبه کلیه**—هر مثالی سه ضلعی است هر—کلی است—موجبه

۲- **سالبه کلیه**—هیچ گیاهی ناطق نیست هیچ—کلی نیست—سالبه

۳- **موجبه جزئیه**—بعضی انسان‌ها شاعر هستند بعضی—جزئیه هستند—موجبه

۴- **سالبه جزئیه**—بعضی کتاب‌ها مفید نیستند بعضی—جزئیه نیستند—سالبه

نکته: ۱- هر گاه سور هر با نیست بیاید—سالبه جزئیه هر گردی گردو

نیست—بعضی کردها گردو نیستند

۲- هر گاه در زبان طبیعی قوانین علمی بدون سور بیایند، از آن‌جا که قوانین همواره کلی هستند این قضایا باید به قضیه کلی تبدیل شوند اما اگر جزء قوانین علمی نبود و قرآینی برای جزئی و کلی بودن نداشتیم، قضیه را جزئی بیان می‌کنیم.

۳- سور های نا متعارف باید به سور های «هر-هیچ-بعضی» تبدیل شوند. مثل: اغلب—بعضی

اکثر—بعضی حتی یک نفر هم نیامد—هیچ کس نیامد

تکلیف

۱- نوع جملات (خبری یا انشائی) و نوع جملات خبری (حملی و شرطی) و اجزای آن‌ها را مشخص کنید.

۱- ابن سینا فیلسوف است ۲- هر عدد یا زوج است یا فرد

۳- برخی مار ها سمی نیستند ۴- مزنی بی تأمل به گفتار دم





- ۵-جسم یا بسیط است یا مرکب
۶-چه هوای پاکیزه و خوبی
۷-کل تهرانی ها ۱۲ میلیون نفرند
۸-هیچ انسانی جاوید نیست
۹-فاینما تولوا فثم وجه الله
۱۰-اگر انسان فکر کند خطا نمی‌کند
۱۱-کاش باران بیاید
۱۲-مردم این شهر کوشا هستند
۱۳-در صورتی به خانه خواهم رفت که کارم اینجا تمام شود
۱۴-ان تجلس اجلس
۱۵-هوا طوفانی خواهد شد
۱۶-بعضی مرغان حلال گوشت نیستند
۱۷-آیا درس امروز را خوانده اید؟
۱۸-خوب درس بخوانید قبول خواهید شد
۱۹-پایتخت ایران تهران است
۲۰-این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت؟
۲۱-با نیکان همنشین شو
۲۲-آب و هوا بسیار مرتفع است
۲۳-هزار دشمنم ار می‌کند قصد هلاک/گرم تو دوستی، از دشمنان چه باک
۲۴-فرصت شمار صحبت کز این دورا هه منزل/چون بگذریم دیگر، نتوان به هم رسیدن
۲۵-تا توانی دلی به دست آور
۲۶-من از نزدیک بودن های دور می‌ترسم
۲۷-ادب مرد به ز دولت اوست
۲۸-هیچ عاقلی ستمگر نیست
۲-نوع قضایای حملی را مشخص کنید.
۱-کعبه زیارتگاه مسلمانان است.
۲-هر درختی نمو می‌کند.
۳-هر آن‌کس که دندان دهد نان دهد.
۴-نمازگزاران در مسجد جامع دوهزار نفر بودند
۵-بعضی شترها دو کوهانه نیستند.
۶-شهادی روستای ما ۵۰ نفرند.
۷-ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام دوازده نفرند.
۸-دانش آموزان این کلاس سی و پنج نفرند.
۹-هیچ کودکی کهنسال نیست.





۱۰- بعضی گل‌ها خوشبو هستند.

۱۱- کلکم راع ۱۲- لاریب فیه

۳- برای هر یک از قضایای زیر یک مثال بنویسید.

۱- سالبه‌ی کلیه

۲- سالبه‌ی جزئیه

۳- شخصییه

۴- شرطی متصل

۵- شرطی منفصل حقیقی

۶- شخصییه (جمعی)

۷- موجبه‌ی کلیه

سوالات جا خالی

۱- برخی جملات..... هستند یعنی خبری از عالم خارج نمی‌دهند.

۲- تمایلات، خواسته‌ها و احساسات در جملات..... بیان می‌شود.

۳- برخی جملات..... یعنی در باره عالم خارج خبر می‌دهند.

۴- جملات خبری..... با واقعیت مطابقت دارند و جملات خبری..... با واقعیت مطابقت ندارند.

۵- تنها جملات..... قابلیت صادق و کاذب بودن را دارند.

۶- وظیفه..... جلوگیری از خطای اندیشه است.

۷- جملات با معنایی که در باره چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم در باره صدق یا کذب آن‌ها سخن بگوییم..... است.

۸- قضیه به دو قسم..... و..... تقسیم می‌شود.

۹- قضیه..... قضیه‌ای است که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می‌شود.

۱۰- قضیه..... قضیه‌ای است که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم شود.

۱۱- موضوع، محمول و رابطه (نسبت) از اجزای قضیه..... است.





۱۲- هر گاه رابطه یا نسبت قضیه ایجابی باشد..... و هر گاه سلبی باشد..... نامیده می-شود.

۱۳- رابطه ایجابی و سلبی را..... می-نامند.

۱۴- قضیه حملی به دو قسم..... و..... تقسیم می-شود.

۱۵- اگر موضوع قضیه مفهومی جزئی باشد قضیه..... و اگر کلی باشد..... می-نامند.

۱۶- به کلمه ای که در قضایای محصوره دامنه مصادیق موضوع را مشخص می-کند..... یا کم می-نامند که اگر موضوع کلی باشد..... و..... و اگر جزئی باشد..... است.

۱۷- قضایای محصوره به چهار قسم می-شوند..... و..... و..... و.....

سوالات تست

۱- قضایا در اولین تقسیم بندی به..... و..... تقسیم می-شوند که (سراسری ۹۵ خارج از کشور)

۱- با معنی- بی معنی- دومی قابلیت صدق و کذب دارد

۲- حملی- شرطی- اولی سه جزء و دومی دو جزء اصلی دارد

۳- شرطی- حملی- در دومی آنچه اول بیاید موضوع است

۴- بی معنی- با معنی- دومی به حملی و شرطی تقسیم می-شود

۲- در کدام مورد هر دو عبارت قضیه حملی است؟ (سراسری ۹۴)

۱- ز دانش دل پیر برنا بود- دل در کسی میند که دل بسته تو نیست

۲- بنی آدم سرشت از خاک دارند- طریق درویشان ذکر است و شکر

۳- اگر دنیا نباشد دردمندیم- نادان را از دانا وحشت است

۴- دوش مرغی به صبح می-نالید- چگونه آدمی هستی

۳- سر و کار منطق با جمله ای است که محتمل صدق و کذب که به آن، جمله اطلاق می-شود و آنجا که قید و شرطی در کلام باشد یا بر عکس به ترتیب قضایای..... و..... رقم می-خورد. (سراسری ۹۰ خارج از کشور)

۱- نباشد- خبری- حملیه- شرطیه ۲- نباشد- انشایی- حملیه- شرطیه

۳- باشد- انشایی- شرطیه- حملیه ۴- باشد- خبری- شرطیه- حملیه





۴- کدام گزینه در باره عبارت «هر آن کس به دانش برد توشه ای/جهانی است بنشسته در گوشه ای» و «عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید» صحیح است؟ (سراسری ۹۴ خارج از کشور)

۱- قضیه حملی است- قضیه نیست ۲- قضیه شرطی است- قضیه شرطی است

۳- قضیه حملی است- قضیه شرطی است ۴- قضیه شرطی است- قضیه نیست

۵- کدام عبارت نشان دهنده یک قضیه محصوره است؟ (سراسری ۹۶)

۱- مجموعه از پنج حرف تشکیل می شود و در اصل عربی است

۲- جامعه بشری در بر گیرنده سایر جوامع انسانی است

۳- مجموعه اعداد فرد غیر قابل شمارش است

۴- کلمات بیانگر تصورات ذهن هستند

پاسخنامه سوالات جا خالی

۱- انشایی ۲- انشایی ۳- خبری ۴- صادق- کاذب ۵- خبری ۶- منطق ۷- قضیه ۸- حملی- شرطی ۹- حملی ۱۰- شرطی ۱۱- حملی ۱۲- موجه- سالبه ۱۳- کیفیت ۱۴- شخصی- محصوره ۱۵- جزئی- کلیه ۱۶- سور- هر- هیچ- بعضی ۱۷- موجه- کلیه- سالبه- کلیه- موجه جزئی- سالبه جزئی

پاسخنامه سوالات تستی

۱- گزینه دو ۲- گزینه دو ۳- گزینه چهار ۴- گزینه یک ۵- گزینه چهار

درس هفتم « احکام قضایا »

توجه: مبحث عکس نقیض و داخل تحت تضاد (تداخل تحت تضاد) فقط برای مطالعه است.

۱- دو قضیه اگر از جهت موضوع و محمول و همچنین کم (سور) و کیف (نسبت) با هم مقایسه شوند حالت های مختلفی پیدا می کنند، از جمله و *

۲- اگر موضوع و محمول دو قضیه یکی، اما در «سور» یا «نسبت» یا «هر دو» متفاوت باشند..... می باشند که در این صورت ۴ حالت پیدا می شود که عبارتند از: ۱- ۲- ۳- ۴- *

۳- به دو قضیه ای که سور هر دو کلی ولی از نظر نسبت یکی موجه و یکی سالبه باشد یا تقابل گفته می شود.





۴- از نظر صدق و کذب رابطه‌ی دو قضیه «متضاد» این‌گونه است که اگر یک قضیه درست باشد، دیگری حتماً است ولی اگر یکی غلط باشد دیگری معلوم نیست لزوماً باشد بلکه ممکن است درست و یا غلط باشد. (اجتماع محال ارتفاع ممکن).

۵- مثال برای قضایای متضاد:

- ۱- هر ایرانی آسیایی است (+) متضاد ← هیچ ایرانی آسیایی نیست (-) صدق هر دو محال
- ۲- هر کتابی جذاب است (-) متضاد ← هیچ کتابی جذاب نیست (-) کذب هر دو ممکن
- ۳- هر انسانی گیاه است (-) متضاد ← هیچ انسانی گیاه نیست (+) کذب یکی و صدق دیگری.
- ۶- قضایای تقابل تضاد: موجه کلیه ← سالبه‌ی کلیه سالبه‌ی کلیه ← موجه‌ی کلیه

۷- جدول تقابل تضاد:

+	←	-
-	←	?
-	→	+
?	→	-

۸- به دو قضیه‌ای که هم در سور و هم در نسبت با یکدیگر متفاوت هستند تقابل می‌گویند.

۹- در «تقابل تناقض» اگر قضیه‌ای درست باشد، نقیض آن است یعنی صدق یا درست بودن هر دو محال است و غلط بودن هر دو نیز محال است بلکه همیشه یکی درست و یکی غلط است. (اجتماع محال ارتفاع محال)

جدول تقابل تناقض از نظر صدق و کذب:

+	←	-
-	←	+
-	→	+
+	→	-

۱۰- قضایای تقابل تناقض:

موجه کلیه ← سالبه‌ی جزئی





سالبهی کلیه ← موجهی جزئی

موجهی جزئی ← سالبهی کلیه

سالبهی جزئی ← موجهی کلیه

۱- هر ایرانی آسیایی است (+) تناقض ← بعضی ایرانی ها آسیایی نیستند (-)

۲- هیچ حیوانی انسان نیست (-) تناقض ← بعضی حیوان ها انسان هستند (+)

۳- بعضی انسان ها شاعر هستند (+) تناقض ← هیچ انسانی شاعر نیست (-)

۴- بعضی انسان ها ناطق نیستند (-) تناقض ← هر انسانی ناطق است (+)

۱۱- به دو قضیه ای که در سور متفاوت و در نسبت یکسان باشد «.....» می گویند.

نکته: برای بدست آوردن نقیض قضایای شخصی فقط تغییر در کافی است. مانند:
«سعدی حکیم است» نقیض ← «سعدی حکیم نیست».

۱۲- در تقابل تداخل هنگامی که قضیه کلی درست باشد، جزئی آن حتماً است (صدق هر دو ممکن) هم چنین اگر قضیه جزئی غلط باشد، کلی آن حتماً است (کذب هر دو ممکن).

۱۳- در «تداخل» اگر قضیه کلی غلط باشد، معلوم نیست جزئی آن درست باشد یا غلط (کذب یکی و صدق دیگر ممکن). هم چنین اگر قضیه جزئی درست باشد، معلوم نیست کلی آن درست باشد یا غلط (صدق یکی و کذب دیگری ممکن).

جدول تقابل تداخل:

کلی + جزئی ← +

جزئی- کلی ← -

کلی - جزئی ← ؟

جزئی + کلی ← ؟

«در تقابل تداخل، اجتماع و ارتفاع متداخلین ممکن است»

قضایای تقابل تداخل:

موجهی کلیه ← موجهی جزئی

موجهی جزئی ← موجهی کلیه





سالبهی کلیه ← سالبهی جزئیه

سالبهی جزئیه ← سالبهی کلیه

۱- هر انسانی در زیان است (+) تداخل ← بعضی انسان‌ها در زیان هستندند (+)

۲- بعضی انسان‌ها کارگر هستندند (+) تداخل ← هر انسانی کارگر است (-)

۳- هیچ اسبی حیوان نیست (-) تداخل ← بعضی اسب‌ها حیوان نیستند (-)

۴- بعضی انسان‌ها سنگ هستندند (-) تداخل ← هر انسانی سنگ است (-)

۵- بعضی انسان‌ها ناطق هستندند (+) تداخل ← هر انسانی ناطق است (+)

۶- هر انسانی نویسنده است (-) تداخل ← بعضی انسان‌ها نویسنده هستندند (+)

۱۴- به دو قضیه‌ای که هر دو دارای سور جزئی هستند اما در نسبت متفاوتند،
.....» می‌گویند.

۱۵- در «تداخل تحت تضاد» اگر جزئی غلط باشد، تداخل تحت تضاد آن حتماً است
(کذب هر دو محال است) اما اگر قضیه‌ی جزئی درست باشد، تداخل تحت تضاد آن معلوم
نیست درست باشد یا غلط.

جدول تداخل تحت تضاد

جزئی (+) تداخل تحت تضاد ← ؟

جزئی (-) تداخل تحت تضاد ← +

؟ → تداخل تحت تضاد + جزئی

+ → تداخل تحت تضاد- جزئی

(اجتماع ممکن ارتفاع محال)

قضایای تداخل تحت تضاد:

۱- برخی انسان‌ها سنگ هستندند (-) تداخل تحت تضاد ← برخی انسان‌ها سنگ نیستندند (+)

۲- برخی انسان‌ها نقاش هستندند (+) تداخل تحت تضاد ← برخی انسان‌ها نقاش نیستندند (+) (صدق
هر دو ممکن)

۳- برخی انسان‌ها ناطق هستندند (+) تداخل تحت تضاد ← برخی انسان‌ها ناطق نیستندند (-)





۱۶- رابطه‌ی تضاد با..... درست بر عکس یکدیگر است.

۱۷- قضایای کلی و قضایای جزئی..... از اقسام تقابل را ندارند.

۱۸- نقیض، تداخل، تداخل تحت تضاد و تضاد قضایای زیر را بنویسید و نسبت صدق و کذب بین آن‌ها را تعیین کنید.

۱- «بعضی از مهرمداران گوشتخوار هستند»

۲- «هر مثلثی شکل است»

۳- «بعضی رنگ‌ها روشن نیستند»

۴- «هیچ گیاهی نامی نیست»

۱۹- مشخص کنید هر یک از قضایای ستون سمت راست با کدامیک از قضایای ستون سمت چپ ارتباط دارد و نوع آن چیست؟

هر ایرانی مسلمان است

بعضی شغل‌ها کاذب هستند

هیچ فلزی عایق نیست

بعضی ایرانی‌ها مسلمان هستند

بعضی سنگ‌ها سفید هستند

هر شغلی کاذب است

بعضی شغل‌ها کاذب نیستند

هر فلزی عایق است

بعضی ایرانی‌ها مسلمان نیستند

بعضی سنگ‌ها سفید نیستند

۲۰- نوع قضیه متقابل را مشخص کنید.

+ $\longleftrightarrow$ -

- $\longleftrightarrow$ ؟

۲۱- در بحث تقابل همواره دو قضیه با هم مقایسه می‌شوند اما در..... رابطه‌ی یک قضیه با عکس خودش بررسی می‌شود.

۲۲- اگر جای موضوع و محمول یک قضیه با هم عوض شود، از این طریق قضیه‌ی دیگری ساخته می‌شود که آن را «.....» قضیه اول می‌گویند و قضیه‌ی اول نیز «.....» نامیده می‌شود.

۲۳- عکس بر دو نوع..... و..... است.





۲۴- اگر در یک قضیه‌ی حملی، جای موضوع و محمول را عوض کنیم اما «کیف» قضیه را ثابت نگه داریم به قضیه‌ی دومی می‌رسیم که عکس.....قضیه‌ی اول است.

۲۵- در عکس مستوی «.....» و «.....» قضیه اصل، ثابت است.

۲۶- چون در رابطه‌ی عکس..... دو قضیه ضروری است، بنابراین باید تغییرات دیگری نیز صورت گیرد تا هنگامی که قضیه‌ی اول درست باشد، عکس مستوی آن هم حتماً درست باشد.

۲۷- قضایای عکس مستوی:

موجب‌هی کلیه ← موجب‌هی جزئی‌ه

سالبه‌هی کلیه ← سالبه‌هی کلیه

موجب‌هی جزئی‌ه ← موجب‌هی جزئی‌ه

سالبه‌هی جزئی‌ه ← عکس لازم‌الصدق ندارد.

جدول احکام عکس مستوی:

۱- هر ایرانی آسیایی است ← بعضی آسیایی‌ها ایرانی هستند (لازم‌الصدق)

۲- هیچ گیاهی حیوان نیست ← هیچ حیوانی گیاه نیست (لازم‌الصدق)

۳- بعضی شعرها زیبا هستند ← بعضی زیباها شعر هستند (لازم‌الصدق)

۴- بعضی انسان‌ها باسواد نیستند ← عکس لازم‌الصدق ندارد.

۲۸- اگر عکس مستوی «موجب‌هی کلیه» موجب‌هی جزئی‌ه نشود، یعنی..... یا..... تغییر نکند، در قضایای که رابطه‌ی موضوع و محمول

«عام و خاص مطلق» است، عکس مستوی لازم‌الصدق نخواهیم داشت.

مانند: هر ایرانی آسیایی است عکس مستوی ← هر آسیایی ایرانی است (کاذب)

با وجود اینکه در قضایایی که نسبت بین موضوع و محمول «تساوی» باشد، عکس مستوی با سور کلی کاذب نمی‌شود اما به طور کلی برای جلوگیری، شکل‌گیری قضایای کاذب، در تمام موارد عکس مستوی موجب‌هی کلیه، موجب‌هی کلیه است.

۲۹- چون در عکس مستوی، صدق دو قضیه الزامی است، اما در برخی از قضایا، عکس کاذب شده و با هیچ تغییری صادق نمی‌شود، لذا گفته می‌شود..... عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.





مانند: «بعضی انسان‌ها باسواد نیستند» عکس مستوی- «بعضی باسوادها انسان نیستند» (کاذب).

۳۰- عکس مستوی قضایای زیر را بنویسید.

- 1- «هر آبی مایع است» عکس مستوی-
 - 2- «هیچ روزی شب نیست» عکس مستوی-
 - 3- «بعضی گیاهان سمی هستند» عکس مستوی-
 - 4- «بعضی ماشین‌ها اتومبیل نیستند» عکس مستوی-
- ۳۱- هر گاه محمول را به جای موضوع و خود را به جای محمول قرار داده و نسبت (سلب و ایجاب) را تغییر دهیم، عکس نامیده می‌شود.
- ۳۲- در عکس نقیض ثابت است اما ثابت نیست.
- ۳۳- در عکس نقیض علاوه بر تغییر کیف یا نسبت، تغییرات دیگری نیز باید صورت گیرد تا اگر قضیه‌ی اصل صادق است، نیز صادق باشد.
- قضایای عکس نقیض:

- ۱- موجهی کلیه- سالبه‌ی کلیه
 - ۲- سالبه‌ی کلیه- موجهی جزئی
 - ۳- موجهی جزئی- عکس لازم‌الصدق ندارد
 - ۴- سالبه‌ی جزئی- موجهی جزئی
- ۱- «هر شکلی دو بعدی است» عکس نقیض- هیچ غیر دو بعدی شکل نیست (لازم‌الصدق)
 - ۲- «هیچ مجردی مادی نیست» عکس نقیض- بعضی غیر مادی‌ها مجرد هستند (لازم‌الصدق)
 - ۳- «بعضی انسان‌ها عالم هستند» عکس نقیض لازم‌الصدق ندارد
 - ۴- «بعضی داروها گیاهی نیستند» عکس نقیض- بعضی غیر گیاهی‌ها دارو هستند (لازم‌الصدق)
- ۳۴- بین هر یک از قضایای زیر چه رابطه‌ای برقرار است؟
- ۱- هیچ مسلمانی حکم خداوند را نادیده نمی‌گیرد- بعضی مسلمانان حکم خداوند را نادیده می‌گیرند.
 - ۲- بعضی آب‌ها خوردنی هستند- بعضی آب‌ها خوردنی نیستند
 - ۳- موجهی جزئی- موجهی جزئی





۴-موجبیه کلیه→سالبیه کلیه

۵-موجبیه جزئیه→سالبیه کلیه

۶-سالبیه کلیه→سالبیه کلیه

۷-هر کتابی آموزنده است→ هیچ کتابی آموزنده نیست

۸- بعضی میوه‌ها شیرین هستند→ هر میوه‌ای شیرین است

۹-بعضی الف ب نیست→ بعضی غیر ب الف است

۳۵-وقتی موضوع و محمول قضیه یکی و سور یا نسبت آن‌ها متفاوت باشد.....حالت پیدا می‌شود که درحالت نسبت دو قضیه ودر.....حالت سور آن‌ها متفاوت است.

۳۶-دو قضیه‌ی محال در جمع دو نسبت و ممکن در رفع آن دو و دو قضیه‌ی محال در جمع دو نسبت و رفع آن دو، به ترتیب موصوف بهو.....می‌باشد.

۳۷-اگر در منطق آن عکسی را معتبر بدانیم که همیشه صادق باشد، با این شرط عکس مستوی.....و عکس نقیض.....مردود است و عکس مستوی موجبیه کلیه و عکس نقیض سالبیه کلی به ترتیب به شکل.....و.....است.

۳۸-تداخل، عکس نقیض، تضاد، تداخل تحت تضاد قضیه‌ی «هر جسمی رنگ پذیر است» کدام است؟

۳۹- عکس مستوی «موجب کلیه».....و «عکس نقیض» آن.....است.

۴۰-هر گاه بدانیم که قضیه‌ی «هر الف غیر ب است» صادق است، در مورد صدق یا کذب قضایای «بعضی غیر ب الف است» و «هیچ غیر ب الف نیست» و «بعضی الف غیر ب است» به ترتیب چه می‌توان گفت؟

۴۱- جدول احکام قضایای تضاد از نظر صدق و کذب مانند مانعةالجمع در شرطی منفصل و تناقض مانند حقیقی و تداخل تحت تضاد مانند مانعةالرفع است.

۴۲-هر گاه در یکی از محصورات عکس مستوی گاهی درست و گاهی نادرست باشد به این معنی است که آن محصوره.....ندارد.

۴۳-رابطه‌ی کدام دو قضیه به درستی بیان نشده است؟

۱-«هر پرنده ای دو زیست است ← پرنده ای دو زیست نیست»(تضاد)

۲-«هر جیوه ای فلز است ← نمی فلز ها جیوه اند»(عکس مستوی)





۳- «بعضی پرندگان تخم گذارند» پرده ای تخم گذار نیست» (تناقض)

۴- «بعضی فلزات هادی الکتریسیته هستند» هر فلزی هادی الکتریسیته است (تداخل تحت تضاد)

۴۴- نقیض قضیه‌ی حافظ شاعر قرن ۸ است، می‌شود..... زیرا:

۴۵- جدول زیر با کدام یک از احکام قضایا مطابقت دارد؟

$+$ $\leftarrow$ - $\leftarrow$ ؟ $-$ $\Rightarrow$ $+$ ؟ $\Rightarrow$ -

۱- تضاد ۲- تناقض ۳- تداخل ۴- تداخل تحت تضاد

۴۶- جو. قضیه‌ی متقابل، اگر ثلث منصدق هر کدام کذب دیگری لازم بیاید دو قضیه

۴۷- کدامیک از قضایای زیر دارای تضاد هستند؟

۱- بعضی اسم‌ها منصرف نیستند ۲- بعضی فلزات زنگ می‌زنند

۳- ارسطو بنیان گذار منطق است ۴- هیچ حشره ای مهره دار نیست

۴۸- هر گاه دو قضیه‌ی مشترک در سور و متفاوت در کیف داشته باشیم و سور کلی باشد حکم دو قضیه از نظر صدق و کذب..... است.

۴۹- دو قضیه‌ی «محال در جمع دو نسبت و ممکن در رفع آن» و دو قضیه‌ی «محال در جمع دو نسبت و رفع آن دو» به ترتیب موصوف به..... می‌باشد.

۵۰- دو قضیه که بتوان از صدق یکی از آن‌ها کذب دیگری را نتیجه گرفت نه بالعکس و بتوان از صدق یکی کذب دیگری را نتیجه گرفت و بالعکس و بتوان از صدق کلی صدق جزئی را نتیجه گرفت نه بالعکس به ترتیب..... و..... است.

۵۱- هر گاه قضیه‌ی «بعضی منصوب‌ها مفعول اند» به عنوان نقیض عکس قضیه‌ای مطرح شوند اصل آن چیست؟

۵۲- عکس مستوی و عکس نقیض لازم الصدق «هر ایرانی آسیایی است» به ترتیب کدام است؟

۵۳- آن‌جا که فقط اختلاف در کیف برای تحقق تناقض کفایت کند زمانی است که قضیه..... باشد و در غیر این صورت نقیض سالبه‌ی جزئی و موجهی کلیه به ترتیب..... و..... است.

۵۴- بر اساس احکام قضایای حملی، بین دو قضیه‌ی «هیچ عاقلی ستمگر نیست» و «هر عاقلی ستمگر است» چه نسبتی برقرار است؟ بین دو نسبت تناقض و تضاد، چه شباهتی برقرار است؟ تداخل تحت تضاد قضیه‌ی «بعضی میوه‌ها شیرین‌اند کدام است؟



احکام قضایای حملی از نظر صدق و کذب (فهم این مباحث برای کنکور بسیار مهم است)

١- تضاد

در قضایای کلی فقط کیف عوض می‌شود.

یعنی: موجبہ کلیہ $\longleftrightarrow$ سالبہ کلیہ

در تضاد اگر اصل قضیه صادق باشد متضاد آن حتماً کاذب است اما اگر اصل کاذب باشد، متضاد آن می‌تواند صادق یا کاذب باشد. «اجتماع محال ارتفاع جایز» احکام آن مانند مانعة الجمع است.

$- \Rightarrow ? \quad + \Rightarrow - \quad ? \quad \Leftarrow - \quad - \Leftarrow +$

مثال ها:

۱- هر انسانی حیوان ناطق است + ← هیچ انسانی حیوان ناطق نیست-

۲- هر انسانی با سواد است- ← هیچ انسانی با سواد نیست-

۳- هیچ گیاهی نامی نیست- ← هر گیاهی نامی است+

٢- تداخل

در تمام قضایای محصوره فقط کم یا سور عوض می‌شود.

يعني: موجبہ کلیہ $\Leftarrow$ موجبہ جزئیہ $\Leftarrow$ موجبہ کلیہ

سالبه كليہ ← سالبه جزئيه ← سالبه كليہ

در تداخل اگر کلی صادق باشد جزئی هم صادق است و اگر جزئی کاذب باشد کلی آن هم کاذب است اما اگر کلی کاذب باشد جزئی مشخص نیست ممکن است صادق یا کاذب باشد و اگر جزئی صادق باشد کلی می‌تواند صادق یا کاذب باشد.

مثال ها:

۱- هر حیوانی حساس است + ← بعضی حیوان ها حساس هستند +





- ۲- بعضی فلزها رسانا نیستند- $\Leftarrow$ هیچ فلزی رسانا نیست-
 ۳- هر مربعی سه ضلعی است- $\Leftarrow$ بعضی مربع ها سه ضلعی هستند-
 ۴- هر انسانی با سواد است- $\Leftarrow$ بعضی انسان ها باسواد هستند+
 ۵- بعضی میوه ها شیرین نیستند+ $\Leftarrow$ هیچ میوه ای شیرین نیست-
 ۶- بعضی انسان ها گیاه نیستند+ $\Leftarrow$ هیچ انسانی گیاه نیست+

۳- تناقض

در تمام قضایای محصوره هم کم و هم کیف عوض می شود

یعنی: $\Leftarrow$ سالبه جزئیه $\Leftarrow$ سالبه جزئیه $\Leftarrow$ سالبه کلیه
 $\Leftarrow$ سالبه کلیه $\Leftarrow$ سالبه جزئیه $\Leftarrow$ سالبه جزئیه $\Leftarrow$ سالبه کلیه

در تناقض اگر قضیه اول کاذب باشد متناقض آن صادق و اگر قضیه اول صادق باشد متناقض آن کاذب است. «اجتماع و ارتفاع محال» احکام آن مانند قضیه حقیقی است.

$+ \Leftarrow - \Leftarrow - \Rightarrow + \Rightarrow + \Leftarrow - \Leftarrow - \Rightarrow +$

مثال ها:

- ۱- هر سفیدی رنگ است + $\Leftarrow$ بعضی سفید ها رنگ نیستند-
 ۲- بعضی شعر ها غزل هستند+ $\Leftarrow$ هیچ شعری غزل نیست-
 ۳- هیچ لباسی پشمی نیست- $\Leftarrow$ بعضی لباس ها پشمی هستند+
 ۴- بعضی گلها سمی نیستند- $\Leftarrow$ هر گلی سمی است-

تداخل تحت تضاد

در قضایای جزئی فقط کیف عوض می شود.

یعنی: $\Leftarrow$ سالبه جزئیه $\Leftarrow$ سالبه جزئیه





در تداخل تحت تضاد اگر قضیه اول کاذب باشد تداخل تحت تضاد آن حتماً صادق است اما اگر صادق باشد مشخص نیست می‌تواند صادق یا کاذب باشد. «اجتماع جایز ارتفاع محال» احکام آن مانند مانعه‌الرفع است.

$$- \leftarrow + + \Rightarrow ? \quad ? \leftarrow + + \leftarrow -$$

مثال‌ها:

- ۱- بعضی دایره‌ها شکل نیستند. $\leftarrow$ بعضی دایره‌ها شکل هستند +
- ۲- بعضی کتاب‌ها فلسفی هستند + $\leftarrow$ بعضی کتاب‌ها فلسفی نیستند +
- ۳- بعضی فلزها رسانا هستند + $\leftarrow$ بعضی فلزها رسانا نیستند -

عکس مستوی و نقیض

در عکس مستوی و نقیض اگر قضیه اول (اصل) صادق باشد، عکس آن هم باید صادق باشد.

جدول احکام قضایای حملی

محمورات چهارگانه ↓	عکس مستوی	عکس نقیض	تناقض	تضاد	تداخل	تداخل تحت تضاد
موجب کلیه	موجب جزئی	سالبه کلیه	سالبه جزئی	سالبه کلیه	موجب جزئی	ندارد
موجب جزئی	موجب جزئی	ندارد	سالبه کلیه	ندارد	موجب کلیه	سالبه جزئی
سالبه کلیه	سالبه کلیه	موجب جزئی	موجب جزئی	موجب کلیه	سالبه جزئی	ندارد
سالبه جزئی	ندارد	موجب جزئی	موجب کلیه	ندارد	سالبه کلیه	موجب جزئی





مغالطه ایهام انعکاس؛

در صورتی که در جا به جا کردن اجزای قضیه، قاعده عکس مستوی را به درستی رعایت نکنیم، دچار «مغالطه ایهام انعکاس» می‌شویم. به عنوان مثال اگر موجه کلی را به موجه کلی عکس کنیم یا برای سالبه جزئی عکس لازم الصدق در نظر بگیریم، دچار این مغالطه شده ایم.

مانند: همه ایرانی ها آسیایی هستند—همه آسیایی ها ایرانی هستند—مغالطه ایهام انعکاس

بعضی انسان ها باسواد نیستند—بعضی باسواد ها انسان نیستند—مغالطه ایهام انعکاس

از این مغالطه در تبلیغات استفاده زیادی می‌شود.

نمونه سوالات از احکام قضایای حملی

نمونه اول

اصل قضیه را می‌دهند و از ما می‌خواهند یکی از احکام قضایا را پیاده کنیم.

مثال: با قضیه‌ی «هر گردویی گرد است» تضاد، تداخل و عکس نقیض بسازید.

نمونه دوم

کلید آن کلمه ی «سپس» است یعنی ابتدا مثلاً می‌گویند: یک قضیه را عکس کنید سپس نقیض آن را بنویسید. مانند: هر فلزی رسانا است—عکس مستوی: بعضی رسانا ها فلز هستند—نقیض: هیچ رسانایی فلز نیست

نمونه سوم

عکس، متضاد یا متناقض قضیه ای به ما داده می‌شود و از سایر احکام پرسش می‌شود.

مثال: عکس مستوی قضیه ای چنین است: بعضی مسلمانان اروپایی هستند (موجه جزئی)، متناقض و متضاد آن چیست؟ در این نمونه قضیه را نمی‌دهند بلکه عکس، متناقض یا متضاد را می‌دهند، پس اول باید اصل را پیدا کنیم و سپس قضایای خواسته شده را بسازیم. در قضیه بالا چون «عکس» موجه جزئی است، اصل ممکن است موجه جزئی یا موجه کلیه باشد باید هر دو را ساخت و آنکه صادق است اصل گرفت.

۱- هر اروپایی مسلمان است - ۲- بعضی اروپایی ها مسلمان هستند + (صادق)

متناقض—هیچ اروپایی مسلمان نیست





نمونه چهارم

متناقض متضاد عکس مستوی قضیه زیر را بنویسید. توجه: هرگاه موارد با «کسره» می‌آید باید از مورد آخر شروع کنیم. مانند: هیچ انسانی بالدار نیست ← ۱- عکس مستوی: هیچ بالدار انسان نیست ← ۲- متضاد: هر بالدار انسان است ← ۳- تناقض: بعضی بالدارها انسان نیستند

نمونه پنجم

نقیض عکس را بسازید.

در این مورد باید عکس مستوی یا عکس نقیض را بسازید سپس تناقض یا نقیض کنید.

مانند: هر پرنده ای سیاه است ← عکس مستوی: بعضی سیاه ها پرنده هستند ← نقیض: هیچ سیاهی پرنده نیست

سوالات تستی

۱- در صورتی که قضیه «هر الف ب است» کاذب باشد، کدام قضیه می‌تواند صادق یا کاذب باشدو چه نامیده می‌شود؟

۱- برخی الف ب نیست- متضاد ۲- برخی الف ب است- عکس مستوی

۳- هیچ الف ب نیست- متضاد ۴- برخی الف ب نیست- تناقض

۲- کدامیک از قضایای محصوره زیر دارای قضایای عکس مستوی، عکس نقیض، تناقض و تضاد است؟

۱- سالبه‌ی کلیه ۲- موجبه‌ی جزئی ۳- سالبه‌ی جزئی ۴- گزینه ۲ و ۳

۳- اگر قضیه‌ی «هر الف ج است» درست باشد، کدام قضیه را می‌توان از آن استنباط کرد که به غلط بودن آن‌ها اطمینان داشت؟

۱- هیچ الف ج نیست- بعضی الف ج نیست ۲- بعضی ج الف است- بعضی الف ج است

۳- هیچ غیر ج الف نیست- بعضی ج الف است ۴- هیچ الف ج نیست- بعضی ج الف است

۴- در دو قضیه‌ی متداخل چه موقع می‌توان اطمینان داشت نتیجه حتماً کاذب است

۱- هرگاه قضیه کلی کاذب باشد جزئی نیز کاذب خواهد بود

۲- هر گاه قضیه‌ی جزئی کاذب باشد کلی نیز کاذب خواهد بود

۳- هر گاه قضیه‌ی جزئی صادق باشد کلی کاذب خواهد بود

۴- هر گاه قضیه‌ی کلی صادق باشد جزئی کاذب خواهد بود





۵- فرض کنید قضیه‌ی «هیچ الف ج نیست» درست باشد، کدام قضایا را می‌توان از آن استنباط کرد که به درست بودن آن‌ها اطمینان داشت؟

۱- بعضی الف ج است- هیچ ج الف نیست ۲- هیچ ج الف نیست- هر الف ج است

۳- هر الف ج است- بعضی الف ج نیست ۴- هیچ ج الف نیست- بعضی الف ج نیست

۶- اگر گفته شود در منطق، آن عکسی معتبر است که همیشه صادق باشد، با این معیار، عکس کدام قضیه از مسؤرات مردود اعلام می‌شود و عکس سالبه‌ی کلی و موجبه‌ی کلی به ترتیب کدام است؟ (سراسری ۸۹)

۱- موجبه‌ی جزئی- سالبه‌ی جزئی- موجبه‌کلیه ۲- موجبه‌ی جزئی- سالبه‌ی کلی- موجبه‌ی کلی

۳- سالبه‌ی جزئی- سالبه‌ی جزئی- موجبه‌ی جزئی ۴- سالبه‌ی جزئی- سالبه‌ی کلی- موجبه‌ی جزئی

۷- تداخل، عکس نقیض و تضاد قضیه‌ی «هر جسمی رنگ پذیر است» به ترتیب کدام است؟ (سراسری ۹۰)

۱- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر هستند- هیچ غیر رنگ پذیری جسم نیست- هیچ جسمی رنگ پذیر نیست

۲- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر نیستند- هیچ غیر رنگ پذیری جسم نیست- هیچ جسمی رنگ پذیر نیست

۳- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر هستند- بعضی غیر رنگ پذیر‌ها جسم نیستند- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر نیستند

۴- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر نیستند- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر نیستند- بعضی جسم‌ها رنگ پذیر نیستند

۸- وقتی موضوع و محمول قضیه یکی و سور یا نسبت آنها متفاوت باشد..... حالت پیدا می‌شود که در..... حالت نسبت دو قضیه و در..... حالت سور آنها تفاوت دارد.

۱- دو- یک- یک ۲- چهار- سه- یک ۳- چهار- دو- دو ۴- چهار- سه- دو

۹- هر گاه بدانیم قضیه‌ی «هر الف غیر ب است» صادق است، در مورد صدق یا کذب قضایای «بعضی غیر ب الف است»، «هیچ غیر ب الف نیست» و «بعضی الف غیر ب است»، به ترتیب می‌توان گفت: (سراسری ۹۲)

۱- قابل تشخیص نیست- قابل تشخیص نیست- صادق است

۲- صادق است- کاذب است- قابل تشخیص نیست

۳- قابل تشخیص نیست- کاذب است- قابل تشخیص نیست

۴- صادق است- کاذب است- صادق است

۱۰- هرگاه دریکی از محصورات، عکس مستوی گاهی درست باشد و گاهی نادرست... (سراسری ۹۳)





- ۱- باید از موارد نادرست آن صرف نظر کرد
- ۲- به این معنی است که آن محصوره عکس لازم الصدق ندارد
- ۳- عکس نقیض آن هم همینطور خواهد بود
- ۴- درستی عکس بر اساس محتوا در نظر گرفته می‌شود
- ۱۱- از صدق قضیه‌ی «هیچ الف ب نیست» صدق کدام مورد را نمی‌توان نتیجه گرفت؟ (سراسری ۹۴)

- ۱- هر غیر ب الف است ۲- هیچ ب الف نیست
- ۳- بعضی غیر ب الف است ۴- بعضی الف غیر ب است
- ۱۲- هر گاه از صدق «هر الف ب است» و کذب «هیچ ج الف نیست» را بدانیم، صدق کدام قضیه را با استفاده از آنها می‌توانیم مشخص کنیم؟ (سراسری ۹۵)

- ۱- بعضی ج ب نیست ۲- هر ج ب است
- ۳- بعضی ج ب است ۴- هیچ ج ب نیست
- ۱۳- کدام نسبت را می‌توان میان دو قضیه در قضایای زیر پیدا کرد؟ (سراسری ۹۵)

- ۱- هر فلزی هادی است
- ۲- هیچ عایقی فلز نیست
- ۳- برخی فلزات عایق هستند
- ۱- عکس نقیض ۲- تناقض ۳- تضاد ۴- تداخل

۱۴- تضاد تناقض و عکس مستوی «هر جسمی رنگ پذیر است» به ترتیب کدام است؟

- ۱- هیچ جسمی رنگ پذیر نیست- بعضی جسم ها رنگ پذیر نیستند- بعضی رنگ پذیر ها جسم هستند
- ۲- هیچ جسمی رنگ پذیر نیست- بعضی جسم ها رنگ پذیر نیستند- هر رنگ پذیری جسم است
- ۳- بعضی جسم ها رنگ پذیر نیستند- هیچ جسمی رنگ پذیر نیست- بعضی جسم ها رنگ پذیر هستند
- ۴- بعضی جسم ها رنگ پذیر هستند- بعضی جسم ها رنگ پذیر هستند- بعضی رنگ پذیر ها جسم هستند





۱۵- هر گاه قضیه «هر الف ب است» را عکس کرده و سپس نقیض عکس آن را بسازیم کدام قضیه به دست می‌آید؟ (سراسری ۹۶)

- ۱- بعضی غیر الف ب است ۲- بعضی غیر الف است
۳- هیچ ب الف نیست ۴- بعضی ب الف نیست

پاسخنامه سوالات جا خالی

۱- تقابل- عکس ۲- تقابل - تضاد- تناقض- تداخل- تداخل تحت تضاد ۳- تضاد- تضاد ۴- کاذب- صادق ۵-..... ۶-..... ۷-..... ۸- تناقض ۹- غلط ۱۰- ... ۱۱- تداخل- کیف ۱۲- درست- کاذب ۱۳-..... ۱۴- تداخل تحت تضاد ۱۵- درست ۱۶- تداخل تحت تضاد ۱۷- تداخل تحت تضاد- تضاد ۱۸-..... ۱۹- تمرین کلاس/ به عهده دانش آموز ۲۰- تضاد- مانعة‌الجمع ۲۱- عکس ۲۲- عکس- اصل ۲۳- مستوی- نقیض ۲۴- مستوی ۲۵- صدق- کیف ۲۶- صدق ۲۷-..... ۲۸- کم یا سور ۲۹- سالبه‌ی جزئیه- سالبه‌ی جزئیه ۳۰-..... ۳۱- نقیض- موضوع- نقیض ۳۲- صدق- کیف ۳۳- عکس ۳۴-..... ۳۵- ۴/ ۳- ۳۶- تضاد- تناقض ۳۷- سالبه‌ی جزئیه- موجه‌ی جزئیه- موجه‌ی جزئیه ۳۸- تمرین کلاس/ به عهده دانش آموز ۳۹- موجه‌ی جزئیه- سالبه‌ی کلیه ۴۰- عکس مستوی- صادق- عکس- صادق- تداخل- صادق ۴۱-..... ۴۲- عکس لازم الصدق ۴۳- گزینه چهار ۴۴- حافظ شاعر قرن ۸ نیست ۴۵- تضاد ۴۶- متناقض- نقیض ۴۷- گزینه چهار ۴۸- اجتماع محال ارتفاع جایز ۴۹- تضاد- تناقض ۵۰- تضاد- تناقض- تداخل ۵۱-..... ۵۲- ... ۵۳- شخصیه- موجه‌ی کلیه- سالبه‌ی جزئیه ۵۴- تمرین کلاس/ به عهده دانش آموز

پاسخنامه سوالات تستی

۱- گزینه سه ۲- گزینه یک ۳- گزینه یک ۴- گزینه دو ۵- گزینه چهار ۶- گزینه چهار ۷- گزینه یک ۸- گزینه چهار ۹- گزینه چهار ۱۰- گزینه دو ۱۱- گزینه یک ۱۲- گزینه یک (تابع اخس مقدماتین) ۱۳- گزینه یک ۱۴- گزینه یک ۱۵- گزینه سه

درس هشتم «قیاس اقترانی»

قیاس بر دو نوع اقترانی و استثنایی تقسیم می‌شود.

قیاسی که اجزای نتیجه (موضوع و محمول) در دو مقدمه پراکنده است، قیاس اقترانی نامیده می‌شود.

مثال: مقدمه‌ی اول آهن فلز است (صغری)

مقدمه‌ی دوم فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود. (کبری)





نتیجه: ← آهن در اثر حرارت منبسط می‌شود.

موضوع محمول

هر مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن باشد صغری و هر مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن باشد، کبری نام دارد چه مقدمه‌ی اول باشد یا مقدمه‌ی دوم.

لفظی که در هر دو مقدمه ذکر می‌شود اما در نتیجه حذف می‌شود «حد وسط» نام دارد.

نقش حد وسط در قیاس اقترانی بسیار مهم است زیرا با یافتن آن می‌توان به نتیجه رسید

قیاس اقترانی بر دو نوع حملی و شرطی تقسیم می‌شود.

قیاس اقترانی حملی دارای دو مقدمه‌ی حملی و قیاس اقترانی شرطی یا

دارای دو مقدمه‌ی شرطی و یا یک مقدمه‌ی حملی و یک مقدمه‌ی شرطی است.

مثال: «قیاس اقترانی حملی» مقدمه‌ی اول ← هوا جسم است (حملی)

مقدمه‌ی دوم ← جسم دارای وزن است (حملی)

نتیجه ← هوا دارای وزن است

مثال اول: «قیاس اقترانی شرطی»

مقدمه‌ی اول ← اگر دانش آموزی درس بخواند قبول می‌شود (شرطی)

مقدمه‌ی دوم ← اگر او قبول شود خانواده‌اش خوشحال می‌شود (شرطی)

نتیجه ← اگر دانش آموزی درس بخواند خانواده‌اش خوشحال می‌شود.

مثال دوم: مقدمه‌ی اول ← اگر انسانی مسلمان باشد متعهد است (شرطی)

مقدمه‌ی دوم ← هر انسان متعهدی به قول خود پایبند است (حملی)

نتیجه ← اگر انسان مسلمان باشد به قول خود پایبند است.

قیاس اقترانی از لحاظ جایگاه «حد وسط» چهار حالت پیدا می‌کند که به هر حالت یک شکل گفته می‌شود و قیاس اقترانی به حصر عقلی منحصر در همین چهار حالت است.

محصولات چهارگانه عبارتند از ۱- موجهی کلیه ۲- سالبی کلیه ۳- موجهی جزئی ۴- سالبی جزئی که هر کدام از دو مقدمه قیاس اقترانی ممکن است یکی از این چهار قضیه باشد که برای هر شکل ۱۶ حالت پیدامی‌شود که بدین‌گونه است.





برای مطالعه

شانزده حالت قیاس اقترانی

- ۱- صغری موجبیه کلیه ← هر ----- است / کبری موجبیه کلیه ← هر ----- است
- ۲- صغری موجبیه کلیه ← هر ----- است / کبری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست
- ۳- صغری موجبیه کلیه ← هر ----- است / کبری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است
- ۴- صغری موجبیه کلیه ← هر ----- است / کبری سالبیه جزئیه ← بعضی ----- نیست
- ۵- صغری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست / کبری موجبیه کلیه ← هر ----- است
- ۶- صغری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست / کبری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست
- ۷- صغری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست / کبری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است
- ۸- صغری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست / کبری سالبیه جزئیه ← بعضی ----- نیست
- ۹- صغری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است / کبری موجبیه کلیه ← هر ----- است
- ۱۰- صغری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است / کبری سالبیه کلیه ← هیچ ----- نیست
- ۱۱- صغری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است / کبری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است
- ۱۲- صغری موجبیه جزئیه ← بعضی ----- است / کبری سالبیه جزئیه ← بعضی ----- است





بعضی-----نیست

۱۳- صغری سالبه‌ی جزئیه ← بعضی-----نیست/ کبری موجب‌ی کلیه ←

هر-----است

۱۴- صغری سالبه‌ی جزئیه ← بعضی-----نیست/ کبری سالبه‌ی کلیه ←

هیچ-----نیست

۱۵- صغری سالبه جزئیه ← بعضی-----نیست/ کبری موجب‌ی جزئیه ←

بعضی-----است

۱۶- صغری سالبه‌ی جزئیه ← بعضی-----نیست/ کبری سالبه‌ی جزئیه ←

بعضی-----نیست

شانزده حالت قیاس اقترانی برای هر ۴ شکل وجود دارد که مجموعاً ۶۴ حالت می‌شود.

تمام ۶۴ حالت قیاس اقترانی منجر به نتیجه نمی‌شوند بلکه تعدادی نتیجه بخش بوده که به آن-
هامنتج و تعدادی بی‌نتیجه هستند که به آن‌ها عقیم گفته می‌شود.

اشکال قیاس اقترانی

شکل اول قیاس اقترانی آن است که «حد وسط» در صغری محمول و در کبری موضوع باشد.

مثال: هوا جسم است (صغری) هر جسمی دارای وزن است (کبری)

محمول موضوع

نتیجه: ← هوا دارای وزن است

شکل دوم قیاس اقترانی آن است که «حد وسط» در صغری محمول و در کبری محمول است.

مثال: هر چوبی قابل احتراق است (صغری) هیچ سنگی قابل احتراق نیست (کبری)

محمول محمول

نتیجه: ← هیچ چوبی سنگ نیست

شکل سوم قیاس اقترانی آن است که «حد وسط» در صغری موضوع و در کبری موضوع

مثال: هر حیوانی حساس است (صغری) هر حیوانی جاندار است (کبری)





موضوع

موضوع

نتیجه: ← بعضی حساس‌ها جاندار هستند

نتیجه شکل سوم و چهارم همیشه جزئی می‌آید. (بعضی)

شکل چهارم قیاس اقترانی آن است که «حد وسط» در صغری موضوع و در کبری محمول است.

مثال: هر انسانی جسمانی است هر نویسنده‌ای انسان است

محمول

موضوع

نتیجه: ← بعضی جسمانی‌ها نویسنده هستند

شعر زیر بیانگر اشکال چهارگانه قیاس اقترانی است:

اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز وضع به کبری گرفت، شکل نخستین شمار

حمل به هر دو دوم، وضع به هر دو سوم رابع اشکال را عکس نخستین بیار

تعیین نتیجه قیاس: نتیجه همیشه تابع اخس (پست‌ترین) دو مقدمه است و پستی به جزئی (بعضی) و سالبه بودن (نیست) است. پس: اگر در سور دو مقدمه بعضی باشد، نتیجه را با بعضی می‌نویسیم اگر بعضی نباشد اما هر و هیچ باشد، نتیجه با هیچ نوشته می‌شود و اگر بعضی و هیچ در دو مقدمه نباشد و فقط هر باشد، نتیجه با هر نوشته می‌شود که این اتفاق فقط در شکل اول اتفاق می‌افتد و در شکل سوم و چهارم نتیجه همیشه با بعضی نوشته می‌شود.

چهار شکل قیاس اقترانی با دارا بودن شرایطی منتج (نتیجه می‌دهند) و در غیر این صورت عقیم (نتیجه نمی‌دهد) است.

برای سهولت در یادگیری شرایط انتاج اشکال قیاس اقترانی، در کتاب‌های منطقی رمز گذاری شده است بدین گونه: م ← مجبه غ ← صغری ب ← کبری

ک ← کلی بودن خ ← اختلاف دو مقدمه در سلب و ایجاب ا ← یکی از

ب ← دو مقدمه

شرایط انتاج شکل اول مجبه بودن صغری و کلی بودن کبری است. (مغ کب) مانند:

۱- سقراط انسان است ← صغری ۲- هر انسانی فانی است ← کبری

نتیجه: سقراط فانی است ← منتج

با توجه به شرایط انتاج شکل اول قیاس اقترانی، در این شکل از ۱۶ حالت ۴ حالت منتج و بقیه عقیم است.





شرایط انتاج شکل دوم قیاس اقترانی **اختلاف** دو مقدمه در سلب و ایجاب و کلی بودن کبری است. (خین گب) مانند:

۱- هرچوبی قابل احتراق **است** - صغری ۲- **هیچ** سنگی قابل احتراق **نیست** - کبری

نتیجه: هیچ چوبی سنگ نیست (منتج)

با توجه به شرایط انتاج شکل دوم قیاس اقترانی، در این شکل از ۱۶ حالت ۴ حالت منتج و بقیه عقیم است.

شرایط انتاج شکل سوم قیاس اقترانی **موجب** بودن صغری و کلی بودن یکی از دو مقدمه است. (مغ کاین) مانند:

۱- **هر** انسانی ناطق **است** - صغری ۲- بعضی انسان ها شاعر هستند - کبری

نتیجه: بعضی ناطق ها شاعر هستند (منتج)

با توجه به شرایط انتاج شکل سوم قیاس اقترانی، در این شکل از ۱۶ حالت ۶ حالت منتج و بقیه عقیم است.

شرایط انتاج شکل چهارم قیاس اقترانی، برای این شکل شرایط مختلفی ذکر شده است که از مشهور ترین آن ها این است که، هیچ یک از مقدمات آن **سالبه ی جزئی** **نباشد** و اگر دو مقدمه **موجب** باشد، صغری باید کلی باشد. (مین کغ) مانند:

۱- **هر** حیوانی حساس **است** - صغری ۲- هر متحرک به اراده ای حیوان **است** - کبری

نتیجه: بعضی حساس ها متحرک به اراده هستند - منتج

توجه: نتیجه شکل سوم و چهارم در «سور» همیشه جزئی است.

از ۱۶ ضرب شکل چهارم، ۵ ضرب منتج است

با توجه به شرایط انتاج اشکال قیاس اقترانی، در شکل اول ۴ ضرب در شکل دوم ۴ ضرب در شکل سوم ۶ ضرب و در شکل چهارم ۵ ضرب منتج است.

تکلیف (پاسخ به این سوالات در کلاس نمره تشویقی دارد)

۱- از ۱۴ ضرب منتج اشکال قیاس اقترانی در نتیجه، ضرب **موجب** ی کلیه، ضرب **سالبه ی کلیه**، **موجب** ی جزئی و ضرب **سالبه جزئی** است.





۲- هر گاه صغری موجب‌هی کلیه و کبری موجب‌هی کلیه و نتیجه نیز موجب‌هی کلیه باشد، بهترین حالت است که فقط در ضرب شکل است که منتج بودن آن بدیهی است و نتیجه بخش بودن سایر اشکال با آن اثبات می‌شود.

۳- نتیجه ضرب از ضروب منتج شکل اول، دوم و سوم، «سالبه» است.

۴- نتیجه از ضروب منتج شکل اول، دوم و سوم، «موجب» است.

۵- نتیجه از ضروب منتج شکل اول، دوم و سوم قیاس اقترانی «کلیه» و نتیجه ضرب «جزئی» است.

۶ در ضروب منتج شکل هر چهار نوع قضایای محصوره وجود دارد.

۷- در ضروب منتج شکل دوم قیاس اقترانی، دو کلیه و دو جزئی وجود دارد.

۸- در ضروب منتج شکل سوم قیاس اقترانی، سه جزئی و سه موجب‌هی وجود دارد.

۹- در ضروب منتج اشکال قیاس اقترانی، موجب‌هی کلیه در ضرب، سالبه‌ی کلیه در ضرب-های، موجب‌هی جزئی در ضرب‌های و سالبه‌ی جزئی در ضرب‌های است.

۱۰ در شکل اول ضرب در شکل دوم ضرب در شکل سوم ضرب عقیم است.

۱۱- هرگاه در شکل سوم، صغری و کبری به ترتیب موجب‌هی کلیه و سالبه‌ی کلیه باشد، نتیجه است و هر گاه صغری و کبری موجب‌هی کلیه باشد نتیجه است.

۱۲- هر گاه قضایایی که در کم و کیف با یکدیگر اختلاف دارند، مقدمات قیاس قرار گیرند، نتیجه بدست آمده است زیرا نتیجه تابع اخس دو مقدمه است.

۱۳- هر گاه مقدمات قیاس اقترانی حملی به گونه‌ای باشد که صغری موجب‌هی کلیه و کبری هم موجب‌هی کلیه باشد، نتیجه بدست آمده موجب‌هی است و این یکی از ضروب بدیهی الانتاج شکل است.

۱۴- در شکل اول و سوم هرگاه دو مقدمه موجب‌هی کلیه باشد نتیجه به ترتیب و است.

۱۵- هر گاه در شکل دوم و سوم، صغری موجب‌هی کلیه و کبری سالبه‌ی کلیه باشد، نتیجه به ترتیب و است.





چهار گام طلایی برای تعیین شکل قیاس اقترانی و منتج و عقیم بودن آن

- ۱- مشخص کردن موضوع و محمول در دو مقدمه
- ۲- مشخص کردن حد وسط
- ۳- تعیین شکل قیاس با توجه به اینکه جایگاه حد وسط در دو مقدمه چیست
- ۴- پیاده کردن شرایط انتاج بر روی مقدمات

تکلیف

قیاس‌های زیر شکل چندم است؟

- ۱- برخی شکل‌ها مثلث هستند ۲- هر مثلثی سه ضلعی است
- ۱- هر ب الف است ۲- هر ج ب است
- ۱- هر الف ب است ۲- هیچ ج ب نیست
- ۱- هر انسانی حیوان است ۲- هیچ حیوانی جماد نیست
- ۱- بعضی حیوانات پرنده هستند ۲- هر پرنده‌ای تخم‌گذار است
- ۱- هر انسانی حیوان است ۲- هر ضاحکی انسان است
- ۱- بعضی حیوانات سیاه‌اند ۲- هیچ حیوانی جماد نیست
- ۱- هر انسانی جسم است ۲- هر انسانی ناطق است
- ۱- بعضی فلزات جیوه‌اند ۲- هیچ عایقی جیوه نیست
- ۱- بعضی فلزات جیوه‌اند ۲- هیچ جیوه‌ای چکش‌خوار نیست
- ۱- هر مسی فلز است ۲- هیچ عایقی فلز نیست
- ۱- هر ایرانی مسلمان است ۲- هر ایرانی با غیرت است

«مغالطه عدم تکرار حد وسط»

شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) است تا دو قضیه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند. در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است





نتیجه گیری شود، فرد دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌شود. در مورد اول (اشتراک لفظ) گفته می‌شود حد وسط به یک معنا نیست و در مورد دوم حد وسط به عینه تکرار نشده است.

تکلیف

علت عدم تکرار حد وسط در استدلال‌های زیر را بیان کنید.

- 1- فیروزه دوست من است، فیروزه سنگی گران بها است، پس دوست من سنگی گران بها است.
- 2- خانه‌ی کعبه دارای جامه است، هر دارای جامه‌ای مُدرک و زنده است، پس: خانه‌ی کعبه مُدرک و زنده است.
- 3- سعادت غایت زندگی است، غایت زندگی مرگ است، پس: سعادت مرگ است.
- 4- ماست از شیر است، شیر در جنگل است، پس: ماست در جنگل است.
- 5- نمک از کلروسدیم است، کلرو سدیم سمی است، پس نمک سمی است.
- 6- آب از اکسیژن و هیدروژن است، اکسیژن و هیدروژن گاز هستند، پس: آب گاز است.
- 7- یخ از آب است، هر آبی مایع است، پس: یخ مایع است.
- 8- در باز است، باز پرنده است، پس: در پرنده است.
- 9- هر تعریفی فکر است، هر تصدیقی فکر است، پس: هر تعریفی تصدیق است.
- ۱۰- هر زغالی سیاه است، هر سیاهی رنگ است، پس: هر زغالی رنگ است.

دامنه مصادیق موضوع؛

سور کلی-موضوع+ سور جزئی-موضوع- شخصی-موضوع+

دامنه مصادیق محمول؛

نسبت موجب-محمول- نسبت سالبه-محمول+

توضیح دامنه مصادیق؛

در سالبه کلیه تمام مصادیق محمول از تمام مصادیق موضوع سلب می‌شود-هیچ+ انسانی گیاه نیست-

در در موجب کلیه برخی از مصادیق محمول بر تمام مصادیق موضوع حمل می‌شود.-هر ایرانی+ آسیایی است-

در موجب جزئیه برخی از مصادیق محمول بر برخی از مصادیق موضوع حمل شده است -بعضی-لباس‌ها تیره هستند-

در سالبه جزئیه تمام مصادیق محمول از بعضی مصادیق موضوع سلب شده است-بعضی-انسان‌ها شاعر نیستند+

تکلیف

دامنه مصادیق موضوع و محمول را در قضایای زیر با علامت مثبت و منفی نشان دهید.

- ۱- هر گیاهی نامی است
- ۲- هیچ فلزی عایق نیست
- ۳- بعضی حیوانات پرنده هستند
- ۴- بعضی گل‌ها خوشبو نیستند





شرایط معتبر بودن قیاس؛

برای آن که قیاسی معتبر باشد، سه شرط زیر در باره آن صادق است^۶

- ۱- هر دو مقدمه سالبه نباشند
- ۲- حد وسط در هر دو مقدمه منفی نباشد (حد اقل یکی از مقدمات موجب باشد)
- ۳- هر کدام از موضوع و محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

تکلیف

اعتبار یا عدم اعتبار قیاس های زیر را مشخص کنید.

- ۱- هر خفاشی + پستاندار - است ۲- هر پستانداری + مهره دار - است ← هر خفاشی + مهره دار - است
- ۱- بعضی شکل ها - مربع - اند ۲- بعضی شکل ها - دایره اند - ← بعضی مربع ها - دایره اند -
- ۱- هر جیوه ای + فلز - است ۲- هر آهنی + فلز - است ← هر جیوه ای + آهن - است
- ۱- هر جیوه ای + فلز - است ۲- هر نقره ای + فلز - است ← هر جیوه ای + نقره - است
- ۱- بعضی حیوانات - سیاه - اند ۲- هر زغالی + سیاه - است ← بعضی حیوانات - زغال اند -
- ۱- هر گاوی + علفخوار - است ۲- هر گاوی + حلال گوشت - است ← هر علفخواری + حلال گوشت - است
- ۱- هر خفاشی + پستاندار - است ۲- بعضی پستانداران - علفخوار - اند ← بعضی خفاش ها - علفخوار - اند
- ۱- بعضی مردم - متکبر - اند ۲- هیچ متکبری + محبوب + نیست ← بعضی مردم - محبوب + نیستند

تکلیف

در قضایای زیر نتیجه را بنویسید، علامت مثبت و منفی را بگذارید و سپس بگویند معتبر است یا نامعتبر

- ۱- بعضی کودکان باهوشند ۲- هیچ کودکی با تجربه نیست
- ۱- هر طالب علمی کنجکاو است ۲- هیچ دیوانه ای کنجکاو نیست
- ۱- هر ژاپنی آسیایی است ۲- هر ژاپنی چشم بادامی است

^۶ توجه: برای بررسی اعتبار یک قیاس نیازی به دانستن شکل آن قیاس نیست اما برای بررسی شرایط انتاج شناخت شکل لازم است.





- ۱- هیچ کربنی فلز نیست ۲- هر فلزی هادی الکتریسیته است
- ۱- هر جیوه ای فلز است ۲- بعضی فلزات مایع هستند
- ۱- هیچ نوزادی پدر نیست ۲- هیچ پدری مجرد نیست
- ۱- هر کبوتری پرنده است ۲- هر کبوتری دانه‌خوار است
- ۱- بعضی فلزات زرد هستند ۲- بعضی زردها گل هستند
- ۱- هر طلایی معدنی است ۲- هر طلایی گران بها است
- ۱- هر نشخوار کننده‌ای شکافته سم است ۲- هیچ گوشتخواری شکافته سم نیست
- ۱- بعضی گدایان ثروتمند هستند ۲- هیچ ثروتمندی مستحق صدقه نیست
- ۱- برخی کتاب‌ها مقدس‌اند ۲- همه‌ی امام زاده‌ها مقدس‌اند
- ۱- بعضی پیامبران صاحب کتاب هستند ۲- هر پیامبری معصوم است
- ۱- همه‌ی اسم‌ها معربند ۲- هیچ حرفی معرب نیست
- ۱- بعضی روزه‌ها مستحب هستند ۲- هیچ مستحبی واجب نیست
- ۱- بعضی قارچ‌ها سمی هستند ۲- بعضی مارها سمی نیستند
- ۱- بعضی حیوانات سفید هستند ۲- هر سفیدی جسم است
- ۱- برخی مردم مودب نیستند ۲- هر مودبی دانا است
- ۱- بعضی سنگ‌ها سبزند ۲- بعضی سبزها جامد نیستند
- ۱- هر مسلمانی موحد است ۲- بعضی موحد‌ها اروپایی هستند
- ۱- بعضی انسان‌ها شاعر نیستند ۲- هیچ غیر ناطقی شاعر نیست
- ۱- هر ب الف است ۲- هیچ ج الف نیست
- ۱- هیچ مادری نامهربان نیست ۲- هر ظالمی نامهربان است
- ۱- همه‌ی امیدواران خوشبخت‌اند ۲- همه‌ی عاشقان خوشبخت‌اند
- ۱- هر مثلث متساوی الاضلاعی متساوی‌الزاویه‌ای متساوی الاضلاع نیست





- ۱- هر ایرانی آسیایی است ۲- هر ایرانی مهمان نواز است
- ۱- هر قیاسی حجت است ۲- هیچ قیاسی تمثیل نیست
- ۱- هر آهوئی دونده است ۲- هر آهوئی علفخوار است
- ۱- هر مسلمانی معتقد به قرآن است ۲- هر مسلمانی یگانه پرست است

سوالات تستی

۱- هر گاه قضیه‌ی «هیچ خفاشی خونسرد نیست»، نتیجه یک قیاس اقترانی حملی باشد، اولاً: کدامیک از اشکال چهار گانه‌ی قیاس اقترانی حملی است؟ ثانیاً ضروب منتج آن چند تاست؟ ثالثاً شرایط انتاج آن کدام است؟ (سراسری ۸۹)

- ۱- شکل اول- چهار تا- موجب بودن صغرا و کلی بودن کبرا
- ۲- شکل دوم- چهار تا- موجب بودن صغرا و کلی بودن کبرا
- ۳- شکل اول- هشت تا- اختلاف دو مقدمه در ایجاب و سلب- کلی بودن صغرا
- ۴- شکل دوم- هشت تا- اختلاف دو مقدمه در ایجاب و سلب- کلی بودن صغرا

۲- اگر مقدمات و نتیجه گیری قیاس ما به این گونه باشد که «الف ب است، ب ج است، پس الف ج است» و «ب الف است، ب ج است، پس الف ج است» به ترتیب کدام شکل از اشکال قیاس اقترانی ترسیم شده و شرایط انتاج هر کدام به ترتیب کدام است؟ (سراسری ۹۰)

- ۱- اول- سوم- موجب بودن صغرا و کلی بودن کبرا- موجب بودن صغرا و کلی بودن یکی از دو مقدمه
- ۲- سوم- اول- موجب بودن صغرا و کلی بودن کبرا- موجب بودن صغرا و کلی بودن یکی از دو مقدمه
- ۳- سوم- اول- موجب بودن صغرا و کلی بودن یکی از دو مقدمه- موجب بودن صغرا و کلی بودن کبرا
- ۴- اول- سوم- موجب بودن صغری و کلی بودن یکی از دو مقدمه- موجب بودن صغری و کلی بودن کبری

۳- کدام عبارت در مورد قیاس اقترانی درست نیست؟ (سراسری ۹۱)

- ۱- هر چند قیاس چهار شکل دارد اما ذهن طبیعتاً از شکل چهارم استفاده نمی‌کند
- ۲- در قیاس اقترانی هر چه از شکل اول به شکل چهارم پیش می‌رویم، اثبات نتیجه مشکل تر می‌شود





۳- قیاس اقترانی چهار شکل شناخته شده دارد و فعلاً شکل دیگری برای آن کشف نشده است

۴- بسیاری از منطق دانان به سه شکل از اشکال قیاس پرداخته اند، اما این نوع قیاس منحصرأ چهار شکل دارد

۴- در اثبات ضرورت شکل های مختلف قیاس اقترانی از به عنوان مقدمه استفاده نمی شود. (سراسری ۹۲)

۱- نقیض نتیجه ۲- عکس مستوی صغرا ۳- عکس مستوی کبرا ۴- عکس مستوی نتیجه

۵- در باره ی قیاس استثنایی نمی توان گفت: (سراسری ۹۲)

۱- مقدمه ی اول آن حتماً شرطی است

۲- بدون یک مقدمه ی حملی تشکیل می شود

۳- یک مقدمه ی آن ممکن است متصله یا منفصله باشد

۴- نتیجه ی استدلال ضرورتاً در یکی از دو مقدمه آمده است

۶- یک قیاس اقترانی داریم که نتیجه اش موجبیه جزئیه است، ممکن است این قیاس... باشد. (سراسری ۹۳)

۱- شکل اول یا شکل دوم ۲- شکل دوم یا شکل سوم

۳- مرکب از صغرا و کبرا ی جزئی ۴- صغرا و کبرا ی کلی داشته

۷- اگر نتیجه قیاسی «هر الف ب است» باشد کدام مطلب در باره ی آن قیاس درست است؟ (سراسری ۹۴)

۱- می تواند شکل اول یا سوم باشد

۲- اثبات آن از دو راه ممکن است

۳- الف در صغری محمول واقع شده

۴- حد وسط در کبری موضوع قرار گرفته است





۸- هر گاه صدق «هر الف ب است» و کذب «هیچ ج الف نیست» را بدانیم، صدق کدام قضیه را با استفاده از آن‌ها می‌توانیم مشخص کنیم؟

۱- بعضی ج ب نیست ۲- هر ج ب است ۳- بعضی ج ب است ۴- هیچ ج ب نیست

هیچ ج الف نیست (-) - تناقض - بعضی ج الف است هر الف ب است - شکل اول نتیجه - بعضی ج ب است

پاسخنامه سوالات تستی

۱- گزینه یک ۲- گزینه یک ۳- گزینه سه ۴- گزینه چهار ۵- گزینه چهار ۶- گزینه چهار ۷- گزینه چهار ۸- گزینه سه

درس نهم «قضایای شرطی و قیاس استثنایی»

قضیه شرطی؛ قضیه ای که در آن به اتصال و انفصال میان دو نسبت حکم شود.

اتصال - شرطی متصل (اگر - - - - - آنگاه - - - - -) اگر تلاش کنی آنگاه موفق می‌شوی

انفصال - شرطی منفصل (یا - - - - - یا - - - - -) یا تلاش میکنی یا موفق نمی‌شوی

قضیه شرطی متصل - در این گونه قضایا به پیوستگی و اتصال و ملازمه دو نسبت حکم می‌شود.

اجزای قضیه شرطی متصل

مقدم - اگر تلاش کنی

تالی - آنگاه موفق می‌شوی

توجه: مقدم و تالی به لحاظ معنا مقدم و تالی هستند و مقدم لزوماً همیشه در ابتدای قضایای شرطی نمی‌آید. مانند: هوا لطیف می‌شود آنگاه که باران بیاید

تالی مقدم

تکلیف

مقدم و تالی را در قضایای زیر مشخص کنید.

۱- الف ب است آنگاه که ج د باشد

۲- ان تنصروا الله ینصرکم

۳- توانا بود هر که دانا بود

۴- اگر سه ضلع مثلث مساوی باشد سه زاویه آن هم مساوی خواهد بود

۵- اگر آنها که دانستمی کردمی نکو سیرت و پارسا بودمی

۶- به سینما خواهیم رفت اگر بلیط نیمه بها باشد





قضایای شرطی منفصل؛

قضایایی هستند که در آن‌ها حکم به انفصال و عناد (ناسازگاری) دو یا چند نسبت حکم شده است.

اقسام قضایای شرطی منفصل؛

۱- **منفصل حقیقی:** قضایایی هستند که هر دو بخش قضیه هم زمان صادق یا کاذب نیستند (یا این یا آن) بنابر این انفصال حقیقی و تام است و لذا آن‌ها را «منفصل حقیقی» می‌نامند. مانند: عدد یا زوج است یا فرد (اجتماع و ارتفاع محال)

۲- منفصل غیر قابل جمع در صدق: (مانعة الجمع)

قضایایی که قابل جمع در صدق نیستند یعنی هر دو طرف قضیه نمی‌تواند هم زمان درست باشد ولی می‌تواند هم زمان کاذب باشد یا یکی درست و یکی غلط باشد. (اجتماع محال ارتفاع جایز)

مانند: این شخص یا اروپایی است یا آسیایی

۳- منفصل غیر قابل جمع در کذب (مانعة الرفع یا مانعة الخلو)

قضایایی هستند که قابل جمع در کذب نیستند اما می‌تواند هر دو طرف قضیه هم زمان درست باشد یا یکی درست و یکی غلط. (ارتفاع محال اجتماع جایز)

مانند: انسان یا در دنیا یا در آخرت نتیجه اعمالش را می‌بیند

تکلیف

نوع قضایای شرطی منفصل را مشخص کنید.

۱- این بیماری یا سرماخوردگی است یا سل است

۲- پول یا به شکل سکه است یا چک پول

۳- قضیه محصوره یا موجهه است یا سالبه

۴- علی یا رشته ریاضی را انتخاب می‌کند یا تجربی

۵- هر قضیه یا صادق است یا کاذب

۶- عدد یا ۳ است یا ۴

۷- علم یا تصور است یا تصدیق

۸- برهان یا لمّی است یا اتّی





- ۹- یک لباس یا کاملاً سفید است یا کاملاً سیاه
- ۱۰- دزد یا پول را می‌برد یا وسایل را
- ۱۱- جاده یا یک طرفه است یا دو طرفه
- ۱۲- خوزاد یا سالم است یا غیر سالم
- ۱۳- روزه گرفتن برای انسان یا اثر جسمی دارد یا روحی
- ۱۴- احمد یا متولد آبان است یا آذر
- ۱۵- معلومات انسان یا بدیهی است یا غیر بدیهی
- ۱۶- غذا یا شور است یا شیرین
- ۱۷- قضیه‌ی شرطی یا منفصل است یا متصل
- ۱۸- شکل یا مثلث است یا دایره
- ۱۹- موجود یا مجرد است یا مادی
- ۲۰- این جسم یا فلزی است یا چوبی
- ۲۱- علی یا در دریا است یا غرق نمی‌شود
- ۲۲- گروه خونی او یا a است یا b
- ۲۳- عالم یا حادث است یا قدیم
- ۲۴- این شخص یا آسیایی است یا آفریقایی
- ۲۵- حمید یا چشم دارد یا نابیناست
- ۲۶- فرهاد یا گوش دارد یا ناشنواست
- ۲۷- فلز یا آهن است یا سرب
- ۲۸- لحظه تحویل سال یا در شیراز خواهم بود یا در اصفهان
- ۲۹- هر جسم یا غیر سفید است یا غیر سیاه
- ۳۰- حروف انگلیسی یا صدا دار است یا بی‌صدا
- ۳۱- انسان شرور یا به خود یا دیگران ضرر می‌رساند





- ۳۲- قضیه یا سالبه است یا موجب
- ۳۳- کاغذ یا سفید است یا سیاه
- ۳۴- فلان عالم یا با تقواست یا دانشمند
- ۳۵- لفظ یا مفرد است یا کلمه
- ۳۶- انسان یا مذکر است یا مؤنث
- ۳۷- دلالت یا مطابقه است یا تضمن
- ۳۸- تصور یا جزئی است یا کلی
- ۳۹- زاویه یا حاده است یا منفرجه
- ۴۰- عامل تصادف یا این اتومبیل بوده یا آن اتومبیل
- ۴۱- انسان یا باقی است یا فانی
- ۴۲- تفکر یا تعریف است یا استدلال
- ۴۳- قیاس یا اقتراعی است یا استثنایی
- ۴۴- در قیاس اقتراعی قضایا یا هر دو شرطی است یا هر دو حملی
- ۴۵- مثلث یا مختلف الاضلاع است یا متساوی الاضلاع
- ۴۶- پاداش یا اخروی است یا دنیوی
- ۴۷- خط یا مستقیم است یا منحنی
- ۴۸- جسم یا مرکب است یا بسیط
- ۴۹- فلانی یا اسماعیلی مذهب است یا زیدی مذهب
- ۵۰- فلز یا آهن است یا سرب
- ۵۱- انسان یا به اندازه‌ی کافی تلاش نمی‌کند یا موفق می‌شود
- ۵۲- دوزیستان یا در آب زندگی می‌کنند یا در خشکی
- ۵۳- علی یا در کنکور آزاد یا سراسری قبول می‌شود





سوالات جا خالی قضایای شرطی متصل و منفصل

- ۱- قضیه‌ی شرطی به دو قسم..... و..... تقسیم می‌شود.
 - ۲- نشانه‌ی قضایای شرطی «اگر» و نشانه قضیه‌ی شرطی..... «یا» است.
 - ۳- در قضیه شرطی حکم شده به بودن یا نبودن نسبتی به شرط بودن یا نبودن نسبت دیگر. یعنی اگر مقدم باشد تالی هم خواهد بود و اگر مقدم نباشد تالی هم نخواهد بود.
 - ۴- در قضایای شرطی «متصل» مقدم مستلزم و تالی تابع است.
مانند: «اگر سه ضلع مثلث مساوی باشد سه زاویه آن هم مساوی است».
- | | |
|------|------|
| تالی | مقدم |
|------|------|
- ۵- در قضیه شرطی متصل جمله‌ای که با معنای «اگر» شروع می‌شود، و جمله‌ای که پس از آن می‌آید و تابع آن است..... نامیده می‌شود و ماهیت قضیه‌ی شرطی متصل همین رابطه است.
 - ۶- قضیه‌ای که در آن به جدایی و انفصال دو یا چند نسبت حکم داده می‌شود شرطی..... گفته می‌شود. مانند: «عدد یا زوج است یا فرد».
 - ۷- نشانه‌ی شرطی منفصل «یا» است که میان دو طرف قضیه فاصله می‌اندازد به گونه‌ای که اگر «یا» حذف شود دو قضیه‌ی..... باقی می‌ماند.
 - ۸- دلیل آن که منفصل را نیز شرطی نامیده اند، چون حکم است مانند: «قضیه یا شرطی است یا حمله» اگر شرطی باشد حمله نیست و اگر حمله باشد شرطی نیست.
 - ۹- قضیه‌ی شرطی به سه قسم ۱- حقیقی ۲- مانع‌الجمع (غیر قابل جمع در صدق) ۳- مانع‌الرفع (غیر قابل جمع در کذب) تقسیم می‌شود.
 - ۱۰- قضیه ای که هم درست بودن دو طرف قضیه محال است و هم غلط بودن آن، قضیه‌ی شرطی منفصل..... نامیده می‌شود. بنابر این انفصال میان دو طرف را انفصال..... می‌نامند.
 - ۱۱- قضایای حاصل از منفصل این‌گونه است:

۱- عدد زوج است پس: عدد فرد نیست

+ ← -

۲- عدد زوج نیست پس: عدد فرد است

+ ← -





۳-زوج نیست :پس→عدد فرد است

+ → -

۴-زوج است :پس→عدد فرد نیست

- → +

۱۲-قضیه‌ای که محال است هر دو طرف آن درست باشد ، اما می‌تواند هر دو طرف غلط باشد یا یک طرف درست و یک طرف غلط باشد، قضیه‌ی شرطی منفصل «.....» است.

۱۳-قضایای حاصل از این‌گونه است:

«امروز یا شنبه است یا یکشنبه»

۱-امروز شنبه است پس: یکشنبه نیست

+ ← -

۲- امروز شنبه نیست پس: ممکن است یکشنبه باشد یا نباشد

- ← ؟

۳-شنبه نیست → امروز یکشنبه است

+ → -

۴-شنبه است→ امروز یکشنبه نیست

- → +

۱۴-قضیه‌ای که محال است هر دو طرف آن غلط باشد اما ممکن یک طرف درست و یک طرف غلط باشد یا هر دو طرف درست باشد. این قضیه منفصل
یا..... نامیده می‌شود.

۱۵-قضایای حاصل از..... این‌گونه است:

«نتیجه هر عمل یا در دنیا یا در آخرت به انسان می‌رسد».

۱-نتیجه هر عمل در دنیا به انسان می‌رسد پس: در آخرت ممکن است برسد یا نرسد

+ ← ؟

۲-نتیجه عمل در دنیا به انسان نمی‌رسد پس: در آخرت حتماً می‌رسد





+ ← -

۳- در دنیا ممکن است برسد یا نرسد → نتیجه عمل در آخرت به انسان می‌رسد

+ → ؟

۴- در دنیا حتماً می‌رسد → نتیجه عمل در آخرت به انسان نمی‌رسد

- → +

۱۶- در قضیه‌ی شرطی منفصل.....اجتماع(درست بودن) محال ارتفاع (غلط بودن)هم محال، در.....اجتماع محال ارتفاع جایز و در..... ارتفاع محال و اجتماع جایز است.

قیاس استثنایی؛

استثنایی قیاسی است که

قیاس **عین** نتیجه یا **نقیض** آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده باشد.

مانند: اگر باران می‌بارد، هوا ابری است

اما هوا ابری نیست پس: باران نمی‌بارد

این قیاس دارای دو مقدمه است یکی **شرطی** و دیگری **حملی**

از آنجا که مقدمه شرطی می‌تواند یکی از چهار قضیه شرطی باشد، چهار حالت برای قیاس استثنایی قابل تصور است؛

۱) قیاس استثنایی متصله

۲) قیاس استثنایی منفصله حقیقی

۳) قیاس استثنایی منفصله غیر قابل جمع در صدق(مانعةالجمع)

شرایط قیاس استثنایی

۱-مقدمه شرطی به نحو اتفاقی نباشد بلکه اگر متصله است **لزومیه** و اگر منفصله است به نحو **عنادی** باشد و نه انفصال اتفاقی

۲-مقدمه شرطی به نحو کلی و فراگیر باشد نه جزئی و شخصی^۷

^۷ فرامرز قراملکی- منطق ۲- صفحه ۲۲





قیاس استثنایی متصله؛

اگر در قیاس استثنایی مقدمه شرطی متصله باشد آن را استثنایی اتصالی می‌خوانند.

مانند: اگر الف ب باشد آنگاه ج، د است

لکن الف، ب است پس: ج، د است

قیاس استثنایی متصله از یک قضیه شرطی متصله و یک قضیه حملی تشکیل می‌شود. در این قیاس قضیه دوم یا حملیه چهار حالت دارد؛

۱) عین مقدم متصله (وضع مقدم) الف ب است

۲) نقیض مقدم متصله (رفع مقدم) الف، ب نیست

۳) عین تالی متصله (وضع تالی) ج، د است

۴) نقیض تالی متصله (رفع تالی) ج، د نیست

از این چهار حالت دو حالت منتج است (وضع مقدم و رفع تالی) و دو حالت عقیم است (وضع تالی و رفع مقدم)^۸

مثال: ۱- حالت اول وضع مقدم ← اگر این جسم فلز باشد، آنگاه هادی جریان الکتریسیته است

این جسم فلز است (وضع مقدم) پس: این جسم هادی جریان الکتریسیته است ← منتج

۲- حالت چهارم رفع تالی ← اگر واجب الوجود متعدد باشد، آنگاه مرکب است

واجب الوجود مرکب نیست (رفع تالی) پس: واجب الوجود متعدد نیست ← منتج

شرایط اختصاصی قیاس استثنایی متصله؛

مقدمه حملی باید عین مقدم شرطی متصله (مقدمه نخست) باشد و یا باید نقیض تالی شرطی متصله باشد.

مغالطه وضع تالی؛ هر گاه در قیاس استثنایی شرطی متصله از یک مقدمه شرطی متصله و یک حملیه که عین تالی همان شرطی باشد استفاده کنیم منتج نمی‌باشد زیرا لزوماً صادق نیست بلکه در مواردی نتیجه آن صادق است و در مواردی صادق نیست گرچه دارای مقدمات صادق باشد بنابراین این حالت عقیم است و به کار بردن آن منجر به مغالطه وضع تالی می‌شود.

مانند: اگر سعدی تبریزی باشد، آنگاه سعدی ایرانی است

^۸ فرامرز قراملکی- منطق ۲- صفحه ۲۳





- سعدی ایرانی است پس: سعدی تبریزی نیست—مغالطه وضع تالی

مغالطه رفع مقدم؛ هر گاه قیاس استثنایی از قضیه شرطی متصله و حملیه ای که نقیض مقدم باشد تشکیل شده باشد، لزوماً منتج نیست زیرا به عنوان قاعده کلی نمی توان از رفع مقدم یک شرطی، نفی تالی آن را نتیجه گرفت بنابراین این حالت عقیم است و به کار بردن آن منجر به **مغالطه رفع مقدم**.

مانند: -اگر این شکل لوزی باشد ، دارای چهار زاویه است

- این شکل لوزی نیست پس: دارای چهار زاویه نیست

قیاس استثنایی انفصالی

این قیاس از یک قضیه شرطی منفصله و یک قضیه حملی ترکیب شده است
از آن جا که مقدمه نخست قیاس استثنایی انفصالی می تواند یکی از سه قضیه شرطی منفصل (حقیقی، غیر قابل جمع در صدق، غیر قابل جمع در کذب) باشد، این قیاس سه حالت دارد.

۱) قیاس استثنایی انفصالی حقیقی؛

در این قیاس مقدمه دوم (قضیه حملیه) می تواند عین یا نقیض هر یک مقدم و تالی باشد قضیه شرطی باشد چنین قیاسی در **هر چهار شکل منتج** است.

مثال: حالت اول) - یا ۵ فرد است یا زوج است

- ۵ فرد است (وضع مقدم) پس: ۵ زوج نیست—منتج

حالت دوم) -یا این دو خط موازیاند و یا این دو خط متقاطع اند

-این دو خط متقاطع اند (وضع تالی) پس: این دو خط موازی نیستند—منتج

حالت سوم) -شریک باری موجود است و یا خداوند واحد است

-شریک باری موجود نیست (رفع مقدم) پس: خداوند واحد است—منتج

حالت چهارم) -یا پیامبر جانشین تعیین کرده است و یا امت را سرگردان رها کرده است

-پیامبر امت را سرگردان رها نکرده است (رفع تالی)

پس: پیامبر جانشین خود را تعیین کرده است—منتج





سقیاس استثنایی منفصله‌ی غیر قابل جمع در صدق (مانعة الجمع)

در این قیاس که یکی از مقدمه های آن منفصله‌ی مانعة الجمع است، تنها از صدق یکی از مقدم یاتالی کذب دیگری نتیجه گرفته می‌شود (منتج) و نه برعکس. یعنی از کذب یکی صدق دیگری لزوماً نتیجه گرفته نمی‌شود. بنابراین از چهار حالت دو حالت (وضع مقدم و وضع تالی) نتیجه قطعی دارد و منتج و (رفع مقدم و تالی) عقیم است.

مثال: حالت اول) - یا این دیوار سفید است یا این دیوار سبز است

- این دیوار سفید است (وضع مقدم) پس این دیوار سبز نیست - منتج

حالت دوم) - یا فرزند شما دختر است یا فرزند شما پسر است

- فرزند شما پسر است (وضع تالی) پس: فرزند شما دختر نیست - منتج

قیاس استثنایی منفصله‌ی غیر قابل جمع در کذب (مانعة الرفع یا مانعة الخلو)

در این قیاس که یکی از مقدمه های آن منفصله‌ی مانعة الخلو است، تنها از کذب یکی از مقدم و تالی صدق طرف دیگر نتیجه گرفته می‌شود و نه برعکس. لذا این قیاس دو حالت منتج و نتیجه قطعی دارد (رفع مقدم و رفع تالی) و وضع مقدم و تالی عقیم است.

مثال: حالت اول) - یا انسان در دنیا به نتیجه عملش می‌رسد یا در آخرت - انسان در دنیا به نتیجه عملش نمی‌رسد (رفع مقدم)

پس: در آخرت حتماً به نتیجه عملش می‌رسد - منتج

حالت دوم) - انسان پرهیز کار یا زن است یا انسان پرهیزکار مرد است

- انسان پرهیزکار مرد نیست (رفع تالی)

پس: انسان پرهیزکار زن است - منتج

سوالات تستی

۱- اگر گفته شود: آن گاه ج د است که الف ب باشد، «توانا بود هر که دانا بود»، «خوب درس بخوانم تا در امتحان نگرانی نداشته باشم» به ترتیب کدام مورد ترسیم شده است؟ (سراسری ۹۰)

۱- تالی مقدم- مقدم، تالی- مقدم، تالی ۲- مقدم، تالی- مقدم، تالی- تالی، مقدم

۳- تالی، مقدم- مقدم، تالی، مقدم- مقدم، تالی ۴- مقدم، تالی- تالی، مقدم- تالی، مقدم

۲- در قضیه‌ی «الف، ب یا ج است» اگر «یا» حذف شود... (سراسری ۹۲)

۱- یک قضیه‌ی حملی با محمول «ب، ج» باقی می‌ماند

۲- دو قضیه‌ی حملی باقی می‌ماند

۳- یک قضیه‌ی حملی با موضوع «الف» باقی می‌ماند





۴-قضیه‌ای باقی نمی‌ماند

۳-کدام عبارت در مورد قضایا درست نیست؟(سراسری ۹۳)

۱- قضایای شرطی همواره سه جزئی نیستند

۲-مقدم همواره به لحاظ معنی پیش از تالی است

۳-در قضیه حملی گاهی محمول در باره‌ی موضوع نیست

۴-در قضیه حملی گاهی موضوع بعد از محمول ذکر می‌شود

۴-در کدام مورد هر دو قضیه حملی است؟(سراسری ۹۴)

۱-زدانش دل پیر برنا بود-دل در کسی مبند که دل بسته‌ی تو نیست

۲-بنی آدم سرشت از خاک دارند- طریق درویشان ذکر است و شکر

۳-اگر دنیا نباشد دردمندیم- نادان را از دانا وحشت است

۴-دوش مرغی به صبح می‌نالید- چگونه آدمی هستی

۵-تفاوت اصلی قضایای شرطی با قضایای حملی چیست؟(سراسری ۹۵)

۱-مشروط بودن حکم ۲-ترکیب قضیه از دو جمله

۳-استفاده از ادات شرط ۴-مشروط بودن اجزای قضیه

۶-قضایای «فکر یا تعریف است یا استدلال» و «ماده قضیه یا تجربی است یا تاریخی» و «انسان یا به اندازه‌ی کافی تلاش نمی‌کند یا موفق می‌شود» به ترتیب کدامیک از اقسام منفصله است؟(سراسری ۹۱)

۱-حقیقی- مانعةالرفع- حقیقی ۲-حقیقی- مانعةالجمع- مانعةالرفع

۳-حقیقی- مانعةالرفع- مانعةالجمع ۴-مانعةالجمع- مانعةالجمع- مانعةالجمع

۷-با کدام دو مفهوم می‌توان یک قضیه‌ی منفصل حقیقی ساخت؟(سراسری ۹۴)

۱-کلی و ذاتی ۲-ذاتی و فصل

۳-غیرذاتی و عرض عام ۴-عرض عام و عرض خاص

۸-در کدام قضیه، اجتماع دو امر محال ولی ارتفاع آن جایز است؟

۱-عالم یا حادث است یا قدیم ۲-عالم یا متناهی است یا نا متناهی





۳- هر عددی یا زوج است یا فرد ۴- هر زاویه ای یا حاده است یا قائمه

۹- با کدام دو مفهوم می‌توان یک منفصل «حقیقی» ساخت؟

۱- ذاتی و فصل ۲- حیوان و انسان ۳- سفید و سیاه ۴- عرضی و ذاتی

توجه: در یک قضیه شرطی منفصل «حقیقی» نسبت بین دو مفهوم باید «تباین» باشد.

۱۰- کدامیک از قضایای زیر می‌تواند یک قضیه‌ی منفصل «مانعة الجمع» باشد؟

۱- الف ب است یا ج د است ۲- الف ب است یا ب الف است

۳- الف ب است یا ب ج است ۴- الف ب است یا الف ج است

۱۱- قیاس زیر چه نام دارد؟ -چنین نیست که اگر این موجود گربه باشد آنگاه پرنده است

ولکن این موجود گربه است

۱- قیاس اقترانی سالبه ۲- قیاس استثنایی رفع تالی

۳- قیاس استثنایی سالبه ۴- قیاس استثنایی وضع مقدم

۱۲- قیاس زیر چه نام دارد؟

شش یا زوج است یا فرد شش زوج است

۱- استثنایی منفصله حقیقی ۲- اقترانی منتج ۳- استثنایی منفصله مانعة الخلو ۴- هیچکدام

۱۳- در قیاس استثنایی مانعة الجمع چه حالتی منتج است؟

۱- از صدق یک مؤلفه صدق مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۲- از کذب یک مؤلفه کذب مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۳- از صدق یک مؤلفه کذب مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۴- از کذب یک مؤلفه صدق مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۱۴- در قیاس استثنایی مانعة الخلو چه حالتی منتج است؟

۱- از صدق یک مؤلفه صدق مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۲- از کذب یک مؤلفه کذب مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۳- از صدق یک مؤلفه کذب مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود





۴- از کذب یک مؤلفه صدق مؤلفه دیگر نتیجه گرفته می‌شود

۱۵- نتیجه قیاس زیر چیست؟- این کلمه یا اسم است یا فعل است یا حرف - لکن فعل نیست

۱- اسم است ۲- حرف است ۳- نه اسم است نه حرف ۴- یا اسم است یا حرف

پاسخنامه تکلیف (نوع شرطی منفصل را مشخص کنید)

- ۱- مانعة الجمع ۲- مانعة الجمع ۳- حقیقی ۴- مانعة الجمع ۵- حقیقی ۶- مانعة الجمع ۷- حقیقی ۸-
- حقیقی ۹- مانعة الجمع ۱۰- مانعة الرفع ۱۱- حقیقی ۱۲- حقیقی ۱۳- مانعة الرفع ۱۴- مانعة الجمع ۱۵-
- حقیقی ۱۶- مانعة الجمع ۱۷- حقیقی ۱۸- مانعة الجمع ۱۹- حقیقی ۲۰- مانعة الجمع ۲۱- مانعة الرفع
- ۲۲- مانعة الجمع ۲۳- حقیقی ۲۴- مانعة الجمع ۲۵- مانعة الرفع ۲۶- مانعة الرفع ۲۷- مانعة الجمع
- ۲۸- مانعة الجمع ۲۹- حقیقی ۳۰- حقیقی ۳۱- مانعة الجمع ۳۲- حقیقی ۳۳- مانعة الجمع ۳۴-
- مانعة الرفع ۳۵- مانعة الرفع ۳۶- حقیقی ۳۷- مانعة الجمع ۳۸- حقیقی ۳۹- مانعة الجمع ۴۰-
- مانعة الرفع ۴۱- حقیقی ۴۲- حقیقی ۴۳- حقیقی ۴۴- مانعة الجمع ۴۵- حقیقی ۴۶- مانعة الرفع ۴۷-
- حقیقی ۴۸- حقیقی ۴۹- مانعة الجمع ۵۰- مانعة الجمع ۵۱- مانعة الرفع ۵۲- مانعة الرفع ۵۳-

پاسخنامه سوالات جا خالی

- ۱- متصل- منفصل ۲- متصل- منفصل ۳- متصل ۴- تالی- مقدم ۵- مقدم- تالی ۶- منفصل ۷- حملی ۸-
- مشروط ۹- منفصل ۱۰- حقیقی ۱۱- حقیقی یا تام ۱۲- غیر قابل جمع در صدق ۱۳- شرطی منفصل
- غیر قابل جمع در صدق ۱۴- غیر قابل جمع در کذب- مانعة الرفع- مانعة الخلو ۱۵- غیر قابل جمع در
- کذب ۱۶- حقیقی- غیر قابل جمع در صدق- غیر قابل جمع در کذب

پاسخنامه سوالات تست

- ۱- گزینه سه ۲- گزینه دو ۳- گزینه سه ۴- گزینه دو ۵- گزینه یک ۶- گزینه دو ۷- گزینه چهار ۸- گزینه
- چهار ۹- گزینه چهار ۱۰- گزینه چهار ۱۱- گزینه چهار ۱۲- گزینه چهار ۱۳- گزینه سه ۱۴- گزینه
- چهار ۱۵- گزینه چهار

درس دهم «سنجشگری در تفکر»

تفکر نقادانه

تفکر نقادانه یا سنجشگرانه، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن در باره نحوه صحیح تفکر است. یعنی همان قواعد درست اندیشیدن که در منطق آموخته ایم.

پرورش مهارت های تفکر صحیح و ارزیابی استدلال ها نیازمند به تمرین و تکرار است.





تفاوت مهم میان متفکر نقاد و غیر نقاد، جدی گرفتن فرآیند تفکر و توجه آگاهانه به آن و پرسیدن سوالات درست و به جاست.

سوالات اصلی در تفکر نقادانه باید با در نظر گرفتن ویژگی های خاص آن مطرح شود.

ویژگی های سوالات اصلی در تفکر نقادانه؛

۱) وضوح مفاهیم و جملات: مثال — آیا اشتراک لفظ، ابهام در عبارات و توسل به معنای ظاهری وجود ندارد؟

۲- تشخیص مقدمات و نتیجه: مثال — نتیجه اصلی مورد نظر گوینده چیست؟

۳- تشخیص پیش فرض ها و لوازم: مثال — لوازم منطقی پذیرش نتیجه این بحث چیست؟

۴- صحت منابع و استدلال: — آیا استدلال ذکر شده از نظر قواعد منطقی معتبر است؟

در یک تفکر نقادانه ذهن فرد با اینگونه سوالات درگیر است.^۹

- چگونه مستدل تر و عمیق تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت ها و تفاوت بین ایده ها و حرف ها و تحلیل های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه میزان محکم بودن و نیز خطاهای احتمالی استدلال های مختلف را ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را به شکل نظام مند و سیستماتیک تعریف و تحلیل کنیم؟
- در میان انبوه رسانه هایی که امروزه — تقریباً بدون استثناء — منافع و بقای خود را در اولویت قرار می دهند، چگونه می توانیم اطلاعاتی مفید، ارزشمند و با حداقل سوگیری به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته ها و باورها و شناختمان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف تر فکر کنیم و حرف ها و نظرها و استدلال هایمان را به شیوه ای شفاف تر و متقاعدکننده تر به دیگران منتقل کنیم؟
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده تر و سازنده تر باشد؟
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و سازمان شان را بهتر و شفاف تر ببینند و درک کنند؟

^۹ سایت متمم





- ویژگی های فرد منطقی:
- تواضع عقلانی و صداقت
- استقلال عقلی
- شهامت عقلی
- دقت منطقی
- پرهیز از پیش داوری
- عدالت و انصاف

تذکر: اعتبار یک استدلال فقط به نتیجه صادق نیست بلکه مقدمات نیز باید صحیح باشد.

مانند: هر مرغابی پرواز کننده است ← درست

هر پرواز کننده ای تخم گذار است ← نادرست نتیجه: هر مرغابی تخم گذار است

استدلال نامعتبر است زیرا حد وسط عیناً تکرار نشده است.

هیچ اسبی گربه نیست ← درست هیچ گربه ای گوسفند نیست ← درست

استدلال نامعتبر زیرا هر دو مقدمه سالبه است اگر چه نتیجه (هیچ اسبی گوسفند نیست) درست باشد.

باز سازی استدلال های زبان طبیعی

معمولاً استدلال هایی که در زندگی می شنویم و بیان می کنیم از لحاظ شکل ظاهری به روشنی استدلال های منطقی که خواننده ایم نیستند بنابراین باید باز سازی شوند.

برای باز سازی استدلال های زبان طبیعی شش نکته باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- تبدیل فعل قضایا به فعل اسنادی ← (است-بود- شد- گشت...)

۲- آوردن سور یا تبدیل سور غیر استاندارد به سور قضایای محصوره ← (بعضی- هر- هیچ...)

۳- توجه به جای مقدم و تالی در قضیه ← آنگاه ج د است که الف ب باشد

۴- ذکر موضوع قضیه در استدلال های منطقی ← همه در امتحان قبول شدند ← همه دانش آموزان در امتحان قبول شدند





۵-گاهی در زبان طبیعی به دلیل اطلاع مخاطب، مقدمات یا نتیجه بیان نمی‌شود که در استدلال های منطقی این نکته باید رعایت شود. «سعید دانشجو است؛ پس دیپلم خود را گرفته است

شکل کامل به صورت قیاس استثنایی: اگر سعید دانشجو باشد دیپلم خود را گرفته است

سعید دانشجو است پس: سعید دیپلم خود را گرفته است

۶- رعایت ترتیب ذکر مقدمات و نتیجه «سرانجام تیم ما صدر نشین شد، چون در بازی امروز پیروز شد؛ که باید این‌گونه ذکر شود» اگر تیم ما در بازی امروز پیروز شود صدر نشین خواهد شد تیم ما در بازی امروز پیروز شد پس: تیم ما سرنشین شد

مغالطه در اثر عوامل روانی؛

گاهی خطای ذهن به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن عوامل روانی همچون تملق، ترس، تطمیع و مانند آن قرار می‌گیرند تا تحت تأثیر استدلال که باید به این مهم در فرآیند استدلال دقت داشت.

«عوامل روانی مغالطه، شرایط خاص روانی است که متفکر در این شرایط، دچار خطای در اندیشه شده و از وصول به نتیجه درست باز می‌ماند؛ این شرایط با آفت هایی است که رهرو طریق شناخت به آن‌ها مبتلا می‌شود و یا دام هایی است که توسط مغالطه کننده برای انحراف رهرو طریق شناخت گسترده می‌گردد. منطق دانان تنها به حالت دوم توجه کرده و آن‌ها را تحت عنوان تبکییت بیرونی و اسباب خارجی مغالطه بحث نموده اند»^{۱۰}

چند نمونه: آیا می‌توانید مشخص کنید به چه دلیل مغالطه هستند؟

۱- آستین نو پلو بخور

۲- بر روی تابلوی مغازه نوشته شده بود: ذروف یک بار مسرف

۳- گردو فروش فریاد می‌زد: گردوی خارجی دارم

۴- رهگذر به به خانمی که درخواست کمک می‌کرد مبلغ قابل توجهی کمک کرد چون کودک خردسالی در آغوش داشت

۵- تنها یک کوتاه فکر می‌تواند چنین سخنی بگوید «برای ممانعت از از بیان سخنی که مغالطه کننده نمی‌خواهد بیان شود

۶- تنها یک خردمند متواضع عاقل می‌تواند چنین کاری را انجام دهد «برای انجام امری که مغالطه گر می‌خواهد





مغالطه های روانی

۱- مغالطه مسموم کردن چاه (مسموم کردن سر چشمه)

مغالطه ای است که کسی ادعایی کند برای جلوگیری از اعتراض دیگران، صفت مذمومی را به مخالفان آن مدعا نسبت دهد به طوری که اگر کسی بخواهد اعتراض کند، گویا خود را مصداقی از مصداق آن صفت مذموم دانسته است. این کار در حقیقت بستن راه استدلال و تحقیر مخالفان به جای ارائه دلیل برای اثبات حرف است.

مثال: مردم در همه پرسى حضوری گسترده خواهند داشت؛ این ها با دل و جان پشت سر پادشاه خود قرار دارند. البته شمار اندکی هم هستند که با این همه پرسى مخالفت خواهند کرد؛ این ها تنها گروهی افراد مرتجع اند که به دنبال جار و جنجالند.^{۱۱}

تکلیف

به نمونه هایی از این نوع مغالطه که با آن برخورد داشته اید اشاره کنید.

۲- مغالطه تله گذاری،

در این روش بر خلاف مسموم کردن چاه، ویژگی های خوب و شایسته ای را به نظریه ای باطل با معتقدان به آن نسبت می دهند و برای افراد تله می گذارند تا به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کند.

مثال: قربون هیکل ورزش کاری و مرام پهلونیت این اثاثیه رو اشتباه آوردم اینجا کمک کن آن ها را برگردانیم

۳- مغالطه توسل به احساسات؛

این مغالطه برای تأثیر روانی بر مخاطب و سو استفاده از احساساتش برای منحرف کردن او از مقام استدلال.

مثال: کلاهبرداری بدون داشتن مجوز، مدعی داشتن مؤسسه ای خیریه می شود و به شما می گوید: آیا محله شما درمانگاه شبانه روزی دارد؟ چند روز پیش همسایه ما دچار حمله قلبی شد و چون در محله ما درمانگاه وجود نداشت از بین رفت. آیا می خواهید به مؤسسه ما کمک مالی کنید؟

تکلیف

سه مثال برای مغالطه توسل به احساسات بیان کنید.

۴- مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی؛

^{۱۱} منبع اینترنت- سید علی اصغر خندان - مغالطات





این مغالطه هنگامی است که با بزرگ نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در تأیید نظری داشته باشیم و یا کوچک نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در مخفی کردن حقیقتی داشته باشیم.

مثال—بزرگ نمایی: برای تبلیغ در باره کاندید انتخابات گفته شود: «محقق و نویسنده ای با بیش از صد کتاب»

این عبارت مغالطه آمیز است زیرا ممکن است از این تعداد فقط سه مورد کتاب باشد. و یا حضور او در جبهه های جنگ. ممکن است فقط چند روز در جبهه های جنگ بوده است.

مثال—کوچک نمایی: تمام غیبت های موجه و غیر موجه من فقط ۹ ساعت است چرا اینقدر مسأله را بزرگ می‌کنید؟ در این مثال فرد فوق ۷ ساعت غیبت غیر مجاز داشته و به هر حال از حد مجاز گذشته است.

تکلیف

برای مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی مثال بزنید.

سوالات جا خالی

۱- تفکر..... یا..... فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن در باره نحوه صحیح تفکر است.

۲- مغالطه در اثر عوامل روانی از مغالطات یا اجزای بیرونی مغالطه است.

۳- بیان ویژگی های نا شایست و نامناسب برای نپذیرفتن یک نظریه از سوی مخاطب مغالطه..... است.

۴- اصطلاح عامیانه «هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن» اشاره به مغالطه..... دارد.

۵- در جمله «تنها یک ترسو می‌تواند به این نظر معتقد باشد» مغالطه..... است.

۶- در جمله «هر کس درک عمیقی داشته باشد، تأیید می‌کند که طرح من بسیار کارآمد است» نمونه ای از مغالطه..... است.

۷- هر گاه عواطف ما در تصمیم گیری های غلط و خطاهای ذهن تأثیر داشته باشد، مغالطه..... است.

۸- هر گاه افراد شیدادی با نسخه پزشک در دست بگویند: بیمارم و پول دارو ندارم، در واقع مسیر مغالطه..... را پیموده است.

۹- هر گاه با بزرگ نمایی و کوچک نمایی بدون دلیل سعی در ایجاد تأثیر در ذهن مخاطب باشد، مغالطه..... شکل گرفته است.

۱۰- در تابلوی «می پرستار تمام وقت» به مغالطه ی..... توجه شده است.





پاسخنامه سوالات جا خالی

۱-نقادانه- ۲-سنجشگر ۳-عَرَضی ۴-مسموم کردن چاه ۵-تله گذاری ۶-تله گذاری ۷-
توسل به احساسات ۸-توسل به احساسات ۹-بزرگ نمایی و کوچک نمایی ۱۰-بزرگ نمایی و کوچک
نمایی

«تو سخت کوشیدی تا بدانی پس پیروزی و توفیق حق توست»

منطق دهم. بوسعید

